

از این شماره برخی از نوشته های رفیق علی صادقی را برای بازنگری و بررسی آثار او مجددا انتشار خواهیم داد

فرخنده باد اول ماه می (۱۱ اردیبهشت)

راه ما سوسیالیسم

تروریسم
بحران جهانی
سلطنت طلبای نیرویی ارتجاعی
حزب کمونیست ایتالیا
تمرکز ثروت موجب امپریالیسم جهانی جدید می شود

صفحه ۹
صفحه ۱۰
صفحه ۱۴
صفحه ۱۶
صفحه ۱۷

طبقه کارگر هر روز در عمل آبدیده می شود

روز اول ماه مه امسال نمونه ای از جرات به مبارزه و مقاومت در برابر نیروهای امنیتی و گامی بلند تر در رسیدن به سازماندهی هدفمند انقلابی و ایفای نقش تاریخی خود بعنوان گورکن نظام سرمایه داری برای همیشه است. هر روز که می گذرد طبقه کارگر ایران آگاهتر، منظم تر و پر قدرت تر در میدان مبارزه حاد طبقاتی پیروزمند بیرون می آید. چنین است منطق تاریخ رشد و تکامل طبقه کارگر.

در جوامع طبقاتی پرولتاریای هر کشور طبق رفتار و خصوصیات طبقات حاکم خود تکامل می یابد و درست بدین خاطر بررسی اوضاع مشخص و جمع بندی دائمی از اوضاع تغییر یافته جزیی جدا ناپذیر از کار نیروهای پیشرو طبقاتی است. باید کمونیسم علمی را به شرایط مشخص هر کشور تلفیق

داد. در این صد سال گذشته استبداد ضد کارگری جز در دوره هایی کوتاهی چنان سرکوب گر بوده است که این طبقه را به نیروی عظیم مقاوم در برابر خونخوارترین دشمنانش تبدیل کرده است. مروری گذرا به دو دهه ی اخیر مبارزه کارگران ایران، حکایت از روندی دارد از کوچک به بزرگ، از پراکندگی به تشکل و تمرکز و از شعارهای تک بُعدی و محدود به شعارهای استراتژیک.

خیزش سراسری نیروهای کارگری و متحدان آنها در دیمه نود و شش که پوشش بیش از صد شهر بزرگ را داشت نه تنها از لحاظ عظمت کمی و شرکت توده ای بی سابقه بود بلکه از لحاظ کیفی و شعار استراتژیکی ره صد ساله ای را پیمود و سرنگون باد بقیه در صفحه دوم

دو هدف - دو استراتژی - دو سیاست

ناشی از گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی و رشد روزافزون آگاهی طبقه کارگر از قدرت متحد خودش و توطئه های امپریالیسم، عده های از روشنفکران که بعضا رنگ و لعاب سوسیالیستی نیز به صورت مالیدهند، از گسترش آلترناتیو پرولتری یعنی انقلاب قهرآمیز سوسیالیستی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا در سطح بین المللی به هراس افتاده و آلترناتیو بورژوانی «انقلاب دموکراتیک» را در مقابل آن علم کرده اند.

برای نمونه: - «امروز تجربه مصر و دیگر انقلابات و خیزش های اعتراضی توده ای... بر ضرورت و مطلوبیت سازمانیابی توده مردم بعنوان قدرت دولتی تاکید میکند. (حمید تقوائی - سایت حمید تقوائی - مصاحبه با نام «عبور از اسلام معتدل» و دموکراسی بقیه در صفحه دوم

تسلیت و همدردی به مردم صدمه دیده

تسلیت و همدردی به مردم صدمه دیده سیل های ناشی از بارندگی شدید چندین استان شمالی و خراسان، شیراز و... را در بر گرفته و انتظار بارانهای بیشتر هم می رود. از سالها قبل کارشناسان محیط زیست و متخصصین چندین بار به رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با از بین بردن راههای سیل رو و تبدیل آنها به محل سکونت و محیط های بسته در شهرها هشدار داده بودند. بعلت بی توجهی و فساد و دزدی و سود اندوزی بی حد حاکمین و شرکت های ساختمان سازی و راه سازی باران های اخیر بعلت گرفتگی مسیر های سیل با گسترش به طرف خانه ها و محیط های زندگی باعث

بقیه در صفحه هفدهم

زنده باد روز جهانی کارگر

پرولتاریا ساخته فقر برخاسته از قوانین طبیعی نیست، بلکه زاینده فقری است که مصنوعا ایجاد شده است. پرولتاریا آن توده انسانی نیست که زیر فشار مکانیکی سنگین جامعه به وجود آمده باشد، بلکه آن توده انسانی است که از تجزیه وحشیانه جامعه، بویژه از تجزیه طبقه متوسط آن پدید می آید، گرچه طبعا صفوف آن به تدریج با پیوستن فقرایی که به طور طبیعی بوجود می آیند فشرده تر می شود (از نقد فلسفه ی حق هگل نوشته کارل مارکس)

اول ماه امسال در شرایط ویژه ای در زندگی پرولتاریای ایران برگزار می شود شرایطی که سیل و بی لیاقی و دزدی و فساد... رژیم اسلامی ضربات سنگینی به اقتصاد جامعه

بقیه در صفحه سوم



طبقه کارگر هر روز در عمل آبدیده می شود

کل نظام جمهوری اسلامی به شعار تاکتیکی روز در خیابان ها تبدیل شد. با اینکه زود فرو نشست چون از وجود حزب کمونیست بلشویکی - محروم بود اما درسی شد که در خیزش های عمومی دیگر ضروریست متشکل تر با داشتن تشکیلات مخفی و زبده تر شرکت کرد. با اینکه سرکوب و کشتار و زندان همچنان ادامه یافت اما مقاومت و مبارزه واتحاد سخن روز پیشروان و فعالان کارگری شد. هفت تپه ، فولاد اهواز ، هیپکو گامی باز هم فرا تر گذاشتند و مبارزه علیه خصوصی سازی را تا سطح اداره ی شورائی ارتقا دادند.

اول ماه مه امسال بازتابی است از گسترش باز هم بیشتر این جنبش تاریخی که با تمام محدودیت ها و تهدیدات ها ، کارگران بی هراس از نیروهای امنیتی در سطحی باز هم گسترده تر در سراسر ایران به میدان آمدند و پرچم پر افتخار اول ماه مه را همچنان برافراشته نگه داشتند. حمله به صفوف شرکت کنندگان تظاهرات اول ماه مه امروز نشانی بارز از ترس نیروهای امنیتی است که می دیدند موج به موج بر تعداد شرکت کنندگان افزوده می شود و می رود که به یک خیزش دیگری همچون دیماه ۹۶ تبدیل شود. دستگیری تعداد زیادی از پیشروان کارگری انعکاس وسیعی در سراسر ایران و جهان یافت و مبارزه برای آزادی آنها به یک کارزار گسترده ای تبدیل شد.

هر روز بیشتر با پای در عملی جنبش کارگری مردم به این واقعیت باور می آورند که تنها نیروی نجات دهند ه و بدیل راستین در اوضاع بحرانی کنونی ایران طبقه کارگر است . این تنها طبقه ایست که وابستگی به امپریالیسم ندارد و به خاطر موقعیت اجتماعی اش دارای پا های آهنین بر روی زمین است . در عین حال حضور پر رنگ خود طبقه نقش تعیین کننده ای در نوسازی نیروهای چپ و کمونیست ورهبری های آنها دارد که دست از گروهی گری و سکتاریستی خود بر دارند، به امر یکی شدن تا حزب واحدی براساس اصول و برنامه مشترک پیش روند.



دو هدف - دو استراتژی - دو سیاست

یک درصدی ها و مقالات دیگرش در مورد خاورمیانه.

”از خوانش جامعه تونس می توان دریافت که سازمان واتحادیه های دانشجویی و کارگری و احزاب چپ و دموکراتیک می توانند برای گذار از نظام دیکتاتوری به نظام دموکراتیک در تونس نقش بازی کنند.“

”تغییر نظام سیاسی حاکم بر جوامع اسلامزده به نظام سیاسی آزاد، برابر و سکولار، یک ضرورت آزادیخواهانه فوری است... (از بیانیه مشترک سه حزب)“
به روشنی میتوان دید که هدف این نیروها نه سوسیالیسم بلکه «جامعه دموکراتیک» است. حزب رنجبران ایران ساختار جامعه ایران را سرمایه داری ارزیابی میکند. ناشی از این دیدگاه، مرحله انقلاب ایران، پرولتاری - سوسیالیستی است و دولتی که بر خرابه های دولت بورژوازی مذهبی ایران برپا میگردد چیزی جز دیکتاتوری پرولتاریا نمیباشد.

برای ارزیابی دقیق هر یک از این دیدگاه ها میبایست وضعیت اقتصادی جهان کنونی را به دقت تحلیل کنیم. در اینجا ما به داده هایی رجوع میکنیم که کنسرنهای بین المللی خود بدان اقرار کرده اند. در زیر جدولی است که ابعاد استثمار طبقه کارگر را در ۶ کنسرن بزرگ بین المللی نشان میدهد. مقدار درآمد و سود را این کنسرنها اعلان نموده اند

سال	نام شرکت	رشته تولید	درآمد به میلیون	سود به میلیون	کل کارکنان نفر	کارگر نفر	مقدار ارزشی که هر کارگر در هر سال تولید میکند ولی به او نمیدهند	مقدار ارزشی که هر کارگر در هر روز تولید میکند ولی به او نمیدهند
2017	گاز پروم روسیه	انرژی	111,982.6 \$	12,249.9 \$	269,600	268,500	45,606.48 \$	124 \$
2017	Faw-Group چین	ماشین سازی	69,524.4 \$	2,855.8 \$	123,658	121,000	23,601.65 \$	64.66 \$
2017	سایپک عربستان سعودی 2	شیمی	39,939.1 \$	4,914.9 \$	34,000	30,000	163,830.00 \$	448.85 \$
2018	دیپلر بنز 3	ماشین سازی	167.4 €	11.1 €	280,000	275,000	40,363.63 €	110.58 €
2018	ب.م.دیلویو (BMW) 4	ماشین سازی	97.50 €	8,988.00 €	130,000	124,900	8,006.405 €	219.35 €
2017	3M آمریکا 5	شیمی	31,657.0 \$	4,858.0 \$	91,536	90,500	53,679.56 \$	147.07 \$

به طوری که ملاحظه میشود هر کارگری به طور متوسط در روز بیش از ۱۸۵,۸۵ دلار آمریکا استثمار میشود. با در نظر گرفتن این مسأله که مکنده های ۵۰۰ شرکت غول آسای بین المللی در تمام شریان های اقتصادی کشورها، شرکتها و تک تک افراد جهان فرو رفته است میتوان ابعاد هولناک استثمار کلیه زحمتکشان جهان، که با خانواده هاشان

لیبی، عراق، افغانستان و... به خوبی نشان می دهد.
مارکس و انگلس در سال ۱۸۴۸ در مانیفست چنین آورده اند: «سراسر جامعه بیش از پیش به دو اردوگاه بزرگ متخاصم، به دو طبقه بزرگ که مستقیماً در برابر یکدیگر ایستاده اند تقسیم میشود: بورژوازی و پرولتاریا.» حقیقتی را که مارکس و

نظام سرمایه داری بحران ساز است!



زنده باد روز جهانی کارگر

که هدفی جز ادامه نظام سرمایه ندارند و از هم اکنون دست در دست امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و عربستان دارند حتی اگر با کمک آنها به قدرت برسند برای اکثریت عظیم مردم ایران ثمره ای نخواهد داشت.

انقلابات سرمایه داری نتوانسته است در دوران کنونی مشکلات اجتماعی طبقه کارگر را حل کرده و حداقل زندگی انسانی را برای وی تامین کند. تبدیل سرمایه داری حتی بعد از جمهوری اسلامی هم همین روال را ادامه خواهد داد. تحول اساسی و تغییر سیستم سرمایه داری در آینده فقط می تواند توسط طبقه کارگر و جامعه سوسیالیستی صورت گیرد.

طبقه کارگر ایران که بزرگترین نیروی اجتماعی جامعه است وظیفه دارد خود را بعنوان بدیل سیاسی توانا با برنامه سیاسی سوسیالیستی خود در اوضاع کنونی معرفی کند. اول ماه مه روز جهانی کارگری موقعیتی بس مناسب است که پرچم سرخ اول ماه مه را به پرچم مبارزه کار علیه سرمایه و جنبش عمومی توده های وسیع بستوه آمده تبدیل کرد.

بر ماست بعنوان احزاب، سازمان ها، نهاد های کمونیستی، چپ و کارگری متحدانه به پیشواز برگزاری سراسری و توده ای اول ماه مه رویم. بر ماست که از کلیه ابتکارات کارگری و توده ای اتحادیه ها، سندیکا ها، شورا ها و دیگر تشکلات توده ای در این روز تاریخی پشتیبانی کنیم.

پیش بسوی بر گزارى هرچه با شکوه تر اول ماه مه

زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم
چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

حزب رنجبران ایران

یازده اردیبهشت ۱۳۹۸ - اول ماه مه ۲۰۱۹



جهت در هم کوبیدن نظام سرمایه داری. سیاستی که از هدف و استراتژی حزب کمونیست کارگری ایران و دیگر طرفداران «انقلاب دموکراتیک» یعنی برپائی یک نظام سیاسی آزاد، برابر و سکولار (هدف) در جریان یک «انقلاب» قهر آمیز علیه رژیم حاکم در ایران (استراتژی) حاصل میشود، عبارت است از تلاش برای ایجاد جبهه ای با ثبات از وسیع ترین اقشار و طبقات ناراضی (همه با هم) جهت برقراری یک دولت در ساختار سرمایه داری.

حال که هدف، استراتژی و سیاست حزب رنجبران در تقابل با احزاب و گروه های رفرمیست و احزاب ظاهرا «مارکسیست» روشن شد، لازم می دانم که کاملا منسجم به تاکتیک حزب نیز اشاره ای داشته باشم: تاکتیک حزب رنجبران ایران از سیاست آن نشأت میگیرد. تاکتیک ما در جریان این مبارزه عبارت است از:

۱. در هر لحظه ای که اقشار ناراضی و تحت ستم دیگر مجبور شدند در جهت سیاست های حزب به ما نزدیک شوند، در شرایط خاصی که این نزدیکی به بسیج گسترده و سازماندهی زحمتکشان یاری رساند، با آنها به طور موردی همکاری خواهیم کرد.

۲. حزب ما از خواسته های دموکراتیک اقشار و طبقات تحت ستم در جامعه با هدف بالا بردن آگاهی آنها از ماهیت رژیم سرمایه داری ایران و لزوم سازمان یابی جهت انقلاب قهرآمیز سوسیالیستی با تمام نیرو پشتیبانی می کند.

بهرنگ بهار

<http://www.hamidtaqvae.com/fa/> .

0=talks?limitstart

Daimler: <https://www.daimler.com/investoren/berichte-news/>

[/2018/geschaeftsberichte](https://www.daimler.com/investoren/berichte-news/2018/geschaeftsberichte)

BMW : https://www.finanzen.net/bilanz_

guv/BMW

;500 3M America: Fortune Global .

Geschäftsberichte; eigene Berechnung

((Quelle: MLPD

8.1.2019. Quelle: Frankfurter Allgemeine - .

انگلس داهیانه کشف کردند، با شدت و عمق بیشتری بر اوضاع کنونی که بورژوازی امپریالیستی جهان را یکپارچه در کام خود فرو میبرد، حاکم است. حال ببینیم که حمید تقوائی اوضاع را چگونه میفهمد: او میگوید که تجربه مصر بر «سازمانیابی توده مردم بعنوان قدرت دولتی تاکید میکند.» این یعنی تأیید به قدرت رسیدن نمایندگان اقشار و طبقات ناراضی (مذهبی و غیر مذهبی) از دولت مرسى. تأیید یک دولت بورژوازی جدید. زیرا او نمیگوید سازمانیابی پرولتاریا به عنوان قدرت دولتی در شکل دیکتاتوری پرولتاریا. او فقط از دولت مردم صحبت میکند. در اینجا دو استراتژی مطرح است

۱. نظر استراتژیک حزب رنجبران ایران: سرنگونی بورژوازی حاکم در مصر در جریان یک انقلاب قهرآمیز با هدف برپائی نظام سوسیالیستی و دولت پرولتاری (دیکتاتوری پرولتاریا)

۲. نظر استراتژیک حزب کمونیست کارگری تقوائی و تمام آنهایی که دم از «انقلاب دموکراتیک» میزنند: روی کار آوردن بورژوازی لیبرال غیر مذهبی (دیکتاتوری بورژوازی) در جریان یک «انقلاب» قهر آمیز علیه رژیم حاکم در مصر استراتژی دوم در تمام کشورهایی که چنین تلاشی صورت گرفته با شکست روبرو شده است. چون عمیقا ارتجاعی است. به جای دیکتاتوری پرولتاریا حکومت مردم را نشانند، خواست بورژوازی امپریالیستی است.

حمید تقوائی استراتژی دوم را برای جامعه ایران نیز در نظر گرفته است. در بیانیه مشترک سه حزب، که حزب کمونیست کارگری ایران نیز یکی از آنهاست چنین آمده است: «تغییر نظام سیاسی حاکم بر جوامع اسلامزده به نظام سیاسی آزاد، برابر و سکولار، یک ضرورت آزادیخواهانه فوری است.»

سیاستی که از هدف و استراتژی حزب رنجبران یعنی برپائی یک نظام سوسیالیستی (هدف) پس از سرنگونی دولت بورژوازی مذهبی در جریان یک انقلاب قهر آمیز در ایران (استراتژی)، حاصل میشود، عبارت است از تلاش برای بسیج وسیعتری اقشار زحمتکش و تحت ستم ایران با مرکزیت طبقه کارگر، به ویژه کارگران صنعتی بین المللی،

زنده باد یازده اردیبهشت روز همبستگی جهانی کارگر



تضاد طبقاتی در عرصه ی تشکیلیابی

(به مناسبت ۱۱۱مین سالگرد «چه باید کرد»
لنین)

اخیرا ، پس از گفت و گوئی که در تلویزیون اتحادچپ ایرانیان حسن حسام و من داشتیم که من روی وحدت اصولی پیشروان طبقه کارگر یعنی کمونیستها طبق آموزش کمونیسم علمی درحزب واحد کمونیست تکیه کردم و حسن حسام روی پلورالیسم تشکیلاتی کمونیستها انگشت گذاشت، سعید صالحی نیا از حزب کمونیست کارگری درسایت "ازادی بیان" طی مقاله ای به دفاع از نظر حسن حسام پرداخته و نوشت: "حق با حسن حسام است، چه نمی تواند حول یک حزب متحد شود! در حاشیه اختلافات درون نشست نیروهای چپ و کمونیست" (۹ مارس ۲۰۱۳). حسن حسام نیز لطف کرده و این نوشته را به من فرستاد تا شاید از گفته هایم مُتنبّه شوم. غافل از آن که این امر نشان داد که رویونیستهای چپ و راست باگذشت ایام دارند بهم نزدیک می شوند! آنها خوب است نظرات کارگران کمونیست فعالی را نیز که هم نظر با خط حزب رنجبران هستند برای مقایسه دونظر در تلویزیون اندیشه ملاحظه می کردند.

این حمایت نظری نشان داد نبرد نظری حادی در درون جنبش چپ جریان دارد و دراین نبرد باید معلوم شود «حق» با کیست. چه جریاناتی پرچم کمونیسم علمی را امروز برای تحقق سوسیالیسم و کمونیسم محکم در دست دارند و چه جریاناتی طبقه کارگر را دعوت می کنند زیر پرچم فرقه گرایی خرده بورژوائی گردهم جمع شوند برای حرکت به سوی ناکجا آباد «سوسیالیسم» قرن بیست و یکمی از نوع همان حرکتی که سوسیال دموکراسی در قرن بیستم انجام داد!

برای پیشبردن این بحث مقدماتا به تاریخ رجوع می کنیم: از آنجا که در نظامهای مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله، جوامع بشری به طبقات حاکم و محکوم تقسیم شده و پیشروان هر طبقه که مبین نظرات کل آن طبقه می باشند در هدایت نبرد طبقاتی بین طبقات متضاد حاکم و محکوم نقشی اساسی دارند و در دولتهای مدرن سرمایه داری با تشکیل احزابی این رهبری را بر طبقه خودی تامین کرده اند، براین اساس و با جمع بندی علمی - تاریخی، کمونیسم علمی از ابتدا از جمله در عرصه ی تشکیلاتی مسئله ایجاد حزب کمونیست را در دستور کار کمونیستها

قرار داد. مارکس و انگلس روی آن انگشت گذاشتند و به بهترین وجهی توسط لنین این آموزش کمونیسم علمی پیاده شد و حزب بلشویک به مثابه حزب پیشرو طبقه کارگر روسیه انقلاب کبیر پرولتاریائی را در روسیه به سوی پیروزی هدایت نمود و در قرن بیستم احزاب کمونیست در دیگر کشورهای جهان شکل گرفتند و در برخی کشورها نظیر چین هدایت انقلابات دموکراتیک و سوسیالیستی را بدست گرفته و پیروزی انقلاب را تحقق بخشیدند. تنها نمونه انقلابی که در آن طبقه کارگر هنوز درحزب سیاسی پیشرو خود متشکل نشده بود، کمون پاریس (۱۸۷۱) بود که عمری مستعجل داشته و نمونه ای شد برای این که طبقه کارگر در مبارزه اش برای کسب قدرت سیاسی، بدون آماده گی ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی عمیق ترو همه جانبه تری دست به انقلاب نزنند.

بنابراین اگر کمونیستها به جهان بینی ماتریالیستی - دیالکتیکی و ماتریالیسم تاریخی اعتقاد داشته باشند، باید از نتایج و پیروزیهای بدست آمده طبقه کارگر که با خون جان باخته گانش نوشته شده است، بیاموزند و آنها را به کاربندند. و نه به طور چشم بسته و یا پراگماتیستی ادعاهائی پیش بکشند که در تناقض آشکار با تئوری کمونیسم علمی و پراتیک انقلابی طبقه کارگر دارد.

کاک سعید صالحی نیا!

کاک ابراهیم چیزی جز این، یعنی دفاع از تئوری کمونیسم علمی در عرصه ی تشکیلاتی، نگفته و اگر کسی خود را کمونیست می داند برخلاف شما باید بگوید که: «حق» با کاک ابراهیم است. پس اگر شما این «حق» را به او نمی دهید این نشانی است از دید نادرست شما و عدولتان از کمونیسم علمی - چه به دلیل این که خودتان را چنان حزب کمونیستی می دانید و چه به دلیل ناتوانی در رهبری مبارزاتی طبقه کارگر به فکر ایجاد آتش شله قلمکار از وحدت چپها افتاده اید! درحالی که آشفته بازار شیوه تفکر خرده بورژوائی که در جنبش چپ ایران بیداد می کند، ضرورت تکان دادن هم دیگر که تا چه حد ما شیوه ی تفکر پرولتاریائی را آموخته و بکار می بریم، شدیداً مطرح است. چنین تکان خوردنی بیش از هر زمانی امروز مطرح است! در ادامه مطلب به این انحرافات نظری خواهم پرداخت.

شما می نویسید: «کاک ابراهیم با یک فرمولبندی ساده شده مدعی است که « چون کمونیسم علمی است و چون علم همه جا یکی

است پس کمونیسم همه جا یکی است پس یک حزب باید ساخته شود!» لذا ایشان در نشست اتحاد چپ شرکت می کند تا حزب واحد بزرگ بسازد و نا امید می شود که نشده! فکر می کند این نشست هم شکست خورده! « بجائی نرسیده!»

از نظر شما کاک سعید، ابراهیم فرمولبندی ساده را برای اثبات نظرش پیش کشیده است. البته برای کسی که در موضع پرولتاریا بوده و عمیقاً تئوری کمونیسم علمی را درک کرده و پذیرفته باشد، این فرمول بندی ساده، به منتها درجه عمیق و در خدمت تغییر راستین جهان است. ولی کسی که چنین اصلاتی برای کمونیسم علمی قائل نباشد آن را پیش پافتاده تلقی کرده و به دنبال اختراعات نوع «راه کارگری» حسن حسام و امثالهم می رود که هیچ پشتوانه نظری و عملی انقلابی ندارند! کاک سعید! امیدوارم دچار فشار خون نشده باشید ولی حتما می دانید که در علم پزشکی قرصی برای درمان کم کردن فشار خون کشف شده و شما در هر جاکه باشید قرص ضد فشار خون را می خورید و فشارتان پائین می آید. این هم در روسیه ۱۰۰ سال پیش صادق بود، هم در ایران ۹۳ سال پیش و هم در چین ۹۲ سال پیش و هم امروز در بسیاری از کشورهای جهان. چرا اکنون در ایران باید افرادی پیدا شوند که بگویند قرص خوردن ناصواب و حرکتی ساده لوحانه است! آیا شما جریانی را در جنبش چپ پیدامی کنید که بگوید سوسیالیسم علمی نیست، ماتریالیسم دیالکتیک دیدگاه بی پایه ای است، انقلاب کردن لازم نیست و با فرم هم می توان دنیا را عوض کرد و غیره؟! پس چرا نسبت به این علم اجتماعی مان این قدر بی توجه هستید؟ چرا باتوجهیاتی از نوع حسن حسامی و امثالهم با ادعای ان که علوم اجتماعی نسبی هستند و نه مثل علوم دقیقه و ریاضیات دو دوتا چهارتا و با این ادعا شروع به قطع دست و پای آن علم و ناقص الخلقه کردنش می شوید، به حسن حسام هم دست مریزاد می گوئید؟! و بالاخره اینجاست که می رسیم به این نتیجه که ویروس شیوه تفکر خرده بورژوائی و سرسری گرفتن درسهای تاریخی - انقلابی در درون جنبش چپ ما چنان نفوذی کرده که مانع می شود تا سلامت نظری پرولتاریائی را بازیابد!

در توجیه نظر حسن حسام می نویسید: «حسن حسام از سوی دیگر، چپ را یک طیف می بیند و کمونیسم را هم روایتی می بیند که نمایندگی می کنند از قشرهای مختلف. ▶

رشد مقاومت و مبارزه کارگران نویدبخش رهائی است!



مبارز و پیشرو و یا قشری از آن به حساب آورد. اینها کارگران عقب مانده ای هستند که به نوکران نظام سرمایه داری تبدیل شده اند و به جای پذیرش این واقعیت نمی توان آنها را با طبقه کارگری که خواهان سرنگونی نظام طبقاتی است مقایسه کرده و با حیلہ گری خرده بورژوائی آنها را وارد تحلیل طبقاتی پرولتاریای مدافع سوسیالیسم نموده، احزاب احتمالی آنها را هم تراز با حزب کمونیست قلمداد کرده و لذا تحت عنوان وجود قشرهای مختلف، طبقه کارگر، از داشتن حزب سیاسی پیشرو خود منع کرد! پس این سفسطه را که مشغول طیف تراشی در طبقه کارگراست باید به مثابه دیدگاه و تفسیر خرده بورژوائانه از طبقه کارگر محکوم نمود.

نکته مهم دیگر این که این حکم مارکسیستی را، که با ارزیابی از عمل کرد دولتها در جوامع طبقاتی تا کنونی، دولت را آلت سرکوب طبقه حاکم دانسته و پیش برنده دیکتاتوری طبقه حاکم و تا زمانی که طبقات و مبارزه طبقاتی موجود باشند اعمال دیکتاتوری شرط اصلی بقای طبقه حاکم است برای ممانعت از بازگشت به عقب و تضمین پیش روی به جلو جامعه، نمی توان از بدن مارکسیسم برید! امروز این اصل مهم کمونیستی توسط برخی از همین جنابان چپ و از جمله «راه کارگر» نفی می شود! پس این روایت نیز جعلی است و کسی که کمونیست است باید با این نظر جعلی به مخالفت آشتی ناپذیر برخیزد.

حسن حسام پس از این ادعاهای بی پایه نتیجه می گیرد که تلاش برای ایجاد حزبی بزرگ کاری عبث و غیرعینی است. در این جا ما با این پدیده روبه روهستیم که کمونیستهای مدافع تئوری و پراتیک کمونیستی خواستار ایجاد حزب سیاسی پیشرو طبقه کارگراند. طبیعی است برای آن «کمونیستهای» که با شیوه تفکر خرده بورژوائی، تشننت نظری و سازمانی را پذیرفته اند، تحزب طبقه کارگر درحزب واحد کمونیست کار عبثی باشد، اما نه برای کمونیستهای که به تئوری و جهان بینی انقلابی کمونیسم باور دارند و آن را سعی می کنند پیاده کنند. بنابراین امروز ما با دو موضوع در عرصه ی اتحاد روبه روهستیم: اول و مهمتر تلاش برای وحدت کمونیستها که در جنبش چپ کنونی بسیاری از آنان موجودند، اما هنوز نتوانسته اند با نفوذ تفکر خرده بورژوائی نظیر «خودمرکزبینی»، فرقه گرائی و پلورالیسم تشکیلاتی خوب مبارزه کرده و این دمل چرکی را از پای جنبش کارگری آگاه

چپهای ما روایت مارکسیستی را پذیرفته اند. ولی روایت مارکسیستی کمونیسم صدجور نیست: انقلاب کارگری کردن، کسب قدرت توسط پرولتاریای متشکل، برقراری دیکتاتوری پرولتاریا به مثابه یک دوران تاریخی (که رهبر فقیدشما برخلاف نظر مارکس آن را نفی نمود و نوشت پس از کسب قدرت مدتی دیکتاتوری پرولتاریا برقرار خواهد ماند و سپس اقتصاد تعیین کننده می شود! و نه سیاست پرولتری در رساندن فاز اول کمونیسم به آخر و گذار به فاز دوم، یعنی دوران کمونیسم که در آن طبقات، دولت و دموکراسی از بین می روند و بشر قدم در قلمرو آزادی می گذارد)، سلب مالکیت از سرمایه داران، کار برای همه و به هرکس باندازه ی توانش، به دلیل باقی ماندن مناسبات سرمایه داری و حل نهائی آن در فاز بالای کمونیسم: کار برای همه و به هرکس باندازه ی نیازش! اگر ثابت شود که این جمع بندی تاریخی مارکسیسم نادرست از آب درآمده و به دلایل علمی به نوع دیگری باید جلورفت، بله آن موقع روایت جدید علمی جای روایت قدیمی نادقیق را خواهد گرفت. چون ظاهرا کسی این نظرات را اثباتا رد نکرده، پس فعلا کسی که کمونیست باشد باید اینها را بپذیرد و برای تحقق آن مبارزه کند. اما کسانی مثل راه کارگرها پیدا شده اند که با نفی دیکتاتوری پرولتاریا، تیشه به ریشه ی سوسیالیسم می زنند و بقول شاملو «از جنمی دیگرند!» بنابراین معیار ما در برخورد به چپها، نه قبول تام و تمام آنها به عنوان کمونیست، بلکه براساس پذیرش احکام مارکسیسم توسط آنها و به کار بستن آنهاست. قشرهای مختلف چپ نمایندگی از طبقات مختلف جامعه دارند و نه طبقه کارگر، هر چند هم روزی هزار بار قسم و ابستگی به طبقه کارگر را سردهند و خود را کمونیست بنامند!

ادعا می شود که طبقه کارگر به دلیل تقسیم به قشرهای مختلف، سیاست واحدی ندارد. این حرف عام به چه معناست؟ طبقه کارگر در کلیتش خواهان براندازی مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله و تبدیل آن به مالکیت جمعی است و استنثار و ستم سرمایه داری را قبول ندارد. حال اگر کارگرانی باشند که سربرآستان نظام سرمایه داری می ساینند چه به دلیل ناآگاهی و چه به دلیل منافی که نظیر کارگران یقه سفید دارند، این گونه کارگران در خدمت نظام سرمایه داری هستند و نظر و عمل آنها را نباید به مثابه نظر و عمل کل طبقه کارگر انقلابی و

حتی طبقه کارگر هم سیاست واحدی ندارد و گرایشات کاملا متفاوت تا متضادی درش هست. از این نقطه، حسن حسام نتیجه می گیرد که تلاش برای یکی کردن و تحزب بزرگ تلاشی عبث و غیر عینی است. باید کمپ چپ و قطب چپ را سازمان داد. حول خواستهای مشترک که عبارتند از خواست سوسیالیسم بعنوان راه حل بلا فصل وضع موجود در مقابل تمامی الترناٹیوهای اسلامی و غیر اسلامی است. در عین حال حسن حسام بدرستی تاکید دارد که همین نشستها و تشکلهای فراسازمانی بهترین بستر است که در آتی گرایشات نزدیک به تشکلهای سیاسی بزرگتر هم ارتفاع [ارتقاء] پیدا کنند. بواقع این نهاد فراسازمانی و حزبی خودش می تواند بستر اتحادهای استراتژیکتر باشد» (همان جا).

کاک سعید محترم! در علم روایتهای مختلف برای مسائل اثبات شده موجود نیست. بله در جنبش چپ طیفهای مختلفی وجود دارد، اما همه به ناحق خود را کمونیست می دانند و بنابه تعریف کمونیستها نیز کسانی هستند که مدافع منافع آتی و آتی طبقه کارگرند و در هیچ گوشه ای از نظرات کمونیسم علمی شما یک جمله نمی یابید که روی وجود انواع مکاتب و نظرات کمونیستی انگشت گذاشته شده باشد که همه هم علمی باشند اما متفاوت از یک دیگر!! کمونیسم صرفا در سطح اعتقادی نیست. کمونیسم بنیادا به عمل در آوردن آن هم هست. اما چپ کنونی ما از جمله نظیر شیخهائی است که در منبر یک چیز می گویند و در عمل کار دیگر می کنند و کمونیسم علمی را در انظار عمومی خدشه دار می سازند و عمده کارشان التقاط گری و آلوده کردن کمونیسم به انواع نظرات خرده بورژوائی است!

شما به راحتی توضیح می دهید که از نظر حسن حسام «کمونیسم را هم روایتی می بیند که نمایندگی می کنند از قشرهای مختلف. حتی طبقه کارگر هم سیاست واحدی ندارد و گرایشات کاملا متفاوت تا متضادی درش هست.»

از شما می پرسیم مگر آنارشیستها در تاریخ نمی خواستند در یک ضربه دولت را ساقط کرده و جامعه بدون دولت را به کمونیسم بکشاندند! مارکسیسم با این نظر جنگید و آن را طرد کرد و از انترناسیونال اول هم بیرون انداخت. پس هر «روایتی» از کمونیسم دلیل درستی آن نیست. ظاهرا

از تجارب انقلاب اکتبر و مبارزه طبقاتی در سوسیالیسم، بیاموزیم!



جراحی کنند. دوم این که چون بالاخره تشتت سازمانی و نظری موجوداست، پس وحدتی نوع جبهه ای بوجودیاوریم. اما در این جا با این تناقض روبه رو می شویم که این تشکلهای همه خود را بهترین سازمان مدافع کمونیسم قلمداد می کنند و حتا حرکت در سطح جبهه واحدی را با معضلات کودکانه ای رو به رو می سازند که گاه دادن یک اعلامیه مشترک مثلا در دفاع از فلان خواست کارگران با مشکل مواجه می شود و چنین وحدت سست و معیوبی هم به جایی در مبارزه طبقاتی حاد و بی رحم، نمی رسد. مخالفت حزب رنجبران ایران با وحدت نوع جبهه ای برای تشکلهایی که خود را کمونیست می نامند به معنای تن ندادن به اپورتونیسم تشکیلاتی راست است که مانع حرکت پر قدرت جنبش کارگری تحت رهبری واحد انقلابی خود می گردد!

و بالاخره نکته آخر این که صحبت کردن از این که اتحادهای نوع جبهه ای شاید روزی به وحدتهایی بیانجامد نیز اولاً راه حل قطعی معضل سازمان یابی سیاسی پیشرو طبقه کارگر نیست و تفرقه در جنبش چپ را تداوم می بخشد و ثانياً در مقابل راه حل و سبک کار پرولتری «وحدت روی اصول کمونیسم علمی و نکات اساسی برنامه و تاکتیک»، راه حل پراگماتیستی باری به هر جهت «انشاءالله گریه است!» را می گذارد که مغایر رفتاری علمی است. واقعیت کنونی این است که نیروهای چپ کنونی را نمی شود در یک حزب کمونیست متحد نمود. ولی به کمونیستهایی که وفادار به تشکیل آن هستند و در این تشکلهای فعالیت می کنند و اختراعاتی از خود نظیر «راه کارگریها» ندارند به طور جدی حکم می کند که بدون ازدست دادن حتا یک لحظه در مبارزه طبقاتی در خدمت ایجاد حزب کمونیست واحد طبقه کارگر، باتمام وجود تلاش کنند. بنابراین شرکت ما در اتحاد جبهه ای نیروهای چپ برای یافتن کمونیستهای صادقی است که در جست و جوی وحدت کمونیستها هنوز بقدر کافی روشنائی نظری ندارند. و اگر می گوئیم که از این اتحاد نتیجه ی قابل لمسی در خدمت جنبش آگاهانه ی طبقه کارگر حاصل نخواهد شد صرف نظر از عدم اجرای سیاست، تشکیلات و سبک کار پرولتری در آن در تشکل یابی، پراتیک مشابه گذشته نیروهای چپ نیز تابه حال با ناموفق ماندن این را نشان داده اند. ما به عنوان کمونیست در این اتحاد جبهه ای نه به

دلیل درست بودن و به هدف زدن تیر تشکل یابی اش، بلکه به دلیل تلاش برای نشان دادن بی حاصل بودن آن در مقایسه با وحدتی کمونیستی، باقی می مانیم و معتقدیم اگر یک باردیگر هم چپ با شکست روبه رو شود ولی در تاریخ خواهد ماند که کمونیستها برای نشان دادن راه درست در این تجمع تلاش کردند و عدم توازن قوای کمونیستی باعث شد تا نظرات برخاسته از دیدگاه فرقه گرایانه خرده بورژوازی غلبه یافته و نهایتاً این تلاش را نیز به بی راهه بکشانند. شما به مثابه حسن ختام نوشته تان و در ارزیابی از «بلوغ کمونیسم و چپ» می نویسید:

«بعنوان یک فعال کمونیست کارگری، وقتی بحثهای حسن حسام را که از اعضای کمیته مرکزی راه کارگر است دنبال کردم به شوق آمدم! چرا! چون عموماً بحثهای من بودمدعی هستم اگر منصور حکمت زنده بود از این صحبتها و این متد دیدن و این سطح مسئولیت استقبال می کرد. از دید من چیزی بسیار عمیق درون چپ و کمونیسم ایران وزنه را به نفع آمال منصور حکمت و سوسیالیسم خواهی تغییر داده. افق بسیار جالبی برای همکاریهای وسیعتر در میان کمونیستهای ایران فراهم شده. باید همان هوشیاری و لحظه شناسی که منصور حکمت داشت، ما هم نشان دهیم. کمونیسم و سوسیالیسم را نمی توان با یک حزب ساخت! جنبش سوسیالیستی از تجمع جویبارهای کوچکتر ساخته می شود. هنر کمونیستهای کارگری باید این باشد که در شکل دهی این حرکت فراسازمانی شرکت فعال داشته باشند. راه اینست. دیر و زود دارد اما سوخت و سوز؟ هرگز!

زمان را دریابیم که در مقابلش پاسخگوئیم!» (همانجا)
اولاً متاسفیم که به عنوان یک «فعال کمونیسم کارگری» از نظراتی که هیچ ربطی به کمونیسم ندارند و از زرادخانه ی خرده بورژوازی مهربرپیشانی دارند این قدر به شور و شوق آمده اید! ثانياً شما به دنبال «احضار روح» منصور حکمت نروید و عمل کرد وی را نظیر نقل قولهای میلیونی که آیت الله ها از امامان آورده اند، پیش نکشید. در زمان تشکیل «حزب کمونیست ایران» در کردستان، نظر حزب رنجبران ایران قبل از تشکیل آن حزب این بود که مسجد بیژوه در کردستان بقدر کافی بزرگ است که نماینده گان تشکلهای مختلف در آنجا گرد هم آمده و

در مورد پیش نویس مشترک «اتحاد مبارزان کمونیست» و «سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه له» به بحث بنشینند تا پلاتفرم مشترکی جهت وحدت تهیه شود. این پیشنهاد مورد قبول واقع نشد و عبدالله مهتدی به عنوان مسئول هیئت نمایندگی دو تشکل فوق گفت باید این پیش نویس را بپذیرید تا در تشکیل حزب سهم شوید. نتیجه آن که دیدار بدون نتیجه و با حالتی توهین آمیز از جانب مهتدی و جواب ما در رابطه با دگماتیسم آنان به پایان رسید. حزب کمونیست که ایجاد شد، در نشریه آن حزب اعلام گردید که کلیه تشکلهای دیگر کمونیست نبوده و ماهیت بورژوائی و خرده بورژوائی دارند. این امر نشان می دهد که شما حتا خود مرکز بینی منصور حکمت را با دقت تا به امروز نشناخته اید!

ثانياً سوسیالیسم و کمونیسم را نه با یک حزب و نه با صد حزب نمی توان ساخت. انقلاب و ادامه انقلاب تابه آخر امر طبقه کارگر و توده های میلیونی مردم درکشور جهان است. احزاب اگر هنری داشته باشند، در ارائه خط مشی انقلابی تبلور می یابد و بارها تجربه شده که باخط مشی انقلابی لنین و مائو انقلاب بزرگ در روسیه و چین به پیروزی رسید و با خط رویزیونیستی حزب سوسیال دموکرت آلمان به رهبری کائوتسکی و حزب کمونیست شوروی به رهبری خروشچف و حزب کمونیست چین به رهبری دن سیائو پین، طبقه کارگر نه قادر شد قدرت را در آلمان به دست بگیرد و نه در شوروی و چین قدرت را در دست خویش حفظ کنند و سوسیالیسم را تعمیق بخشند.

سوما، سکتاریسم شما در این است که خود را کمونیست دانسته و با دیگر چهها خواهان وحدت نوع جبهه ای می شوید بدون اینکه قدری تأمل کنید که انقلاب انسانی شما به جای انقلاب کارگری بدترین نوع تحریف در کمونیسم علمی است و به خود مدال «من اول ندهید!». مگر اینکه اخیراً متفکران شما به این جا رسیده باشند که غیر کارگران از نوع بشر نبوده و جزو حیوانات هستند و در آن صورت کارگران راهم از تبلیغاتتان ندریجا حذف نموده و بگوئید خواستار سعادت انسانها هستیم!! هان طور که امپریالیسم را نیز در برخورد به سرمایه داری انحصاری غرب کنار گذاشته اید!! این نظر شما نه تنها متفکرانه نیست بلکه به غایت سطحی و در عین حال ضد آموزش کمونیسم علمی است. انسان کارگر به مثابه یک طبقه

ساحت کمونیسم علمی را از انواع نظرات رویزیونیستی و دگماتیستی پاک کنیم!



علل گسترده‌ی خرابی‌ها و آوارگی مردم بر اثر بی مسئولیتی ارگان‌ها و متولیان حاکم، عدم رعایت استانداردها در ساخت و سازها و تخریب محیط زیست می‌باشد. این فاجعه تأثیرات مخرب و هولناکی بر زندگی و معیشت زحمتکشان این مناطق وارد ساخته است و کارگران و همه مردم حق دارند دولت را پاسخگوی رفع مشکلات و نیازهای خود بدانند و بر امر کمک‌رسانی و بازسازی این مناطق پافشاری کنند.

ما از همه کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان، بیکاران، دانشجویان و جوانان دعوت می‌کنیم با تجمع و همبستگی، روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) را روز اعتراض نسبت به شرایط غیرانسانی موجود و طرح مطالبات برحق خود قرار دهیم؛ ادامه بیانیه...

۱- تعیین مزد حداقل به میزان ۷ میلیون تومان در ماه برای یک خانواده چهار نفری.
 ۲- آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی که برای خواست‌های خود مبارزه کرده‌اند و منع تعقیب قضایی آنها، آزادی همه زندانیان سیاسی و عقیدتی و آزادی معلمان و دانشجویان زندانی.
 ۳- برقراری بیمه بیکاری برای تمام بیکاران و جویندگان کار.
 ۴- ترمیم مستمری بازنشستگان حداقل به میزان ۷ میلیون تومان در ماه، تأمین بیمه‌های اجتماعی کامل و کارآمد و مسکن مناسب برای بازنشستگان، نظارت نمایندگان منتخب بازنشستگان بر صندوق‌های بازنشستگی و شرکت در مدیریت آنها.

۵- الغای هرگونه تبعیض جنسیتی، مذهبی، ملی و قومی در محیط کار و در سطح جامعه،

۶- برابری مزد زنان و مردان در شرایط کار برابر و برابری حقوق کارگران مهاجر با سایر کارگران و رفع تبعیض از آنها.

۷- منع کار کودکان
 ۸- حق برخورداری از تشکل‌های مستقل و سندیکا و برقراری مذاکرات دستجمعی میان کارگران و کارفرمایان.

۹- لغو قراردادهای سفید امضا.
 ۱۰- آزادی بیان، تحزب، عقیده، اعتراض، گردهمایی، اعتصاب و راهپیمایی.

۱۱- ایجاد یک صندوق با تعهد دولت برای پرداخت فوری تماممزدها و مزایای

به سنت مبارزه برای خواست‌های برحق کارگران، معلمان، دانشجویان، روشنفکران، بازنشستگان، زنان و تمامی مزدبگیران زحمتکش، تبدیل گشته است.

نظام سرمایه‌داری در ایران بر مبنای ضرورت و تابعیت از مناسبات جهانی و تحت تأثیر بحران اقتصادی و عقب ماندگی مناسبات سرمایه‌داری داخلی، همواره به خشن‌ترین شیوه‌های سیاسی و اقتصادی در مقابل کارگران و زحمتکشان ایران و مطالبات انبوه و پایمال شده آنان، توسل جسته است. این استثمار و خشونت نه تنها بر کارگران صنعت، معدن و کشاورزی بلکه بر سطح معیشت و شرایط اسفبار زندگی کارکنان رشته‌های مختلف خدمات و از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان و ... نیز وارد گشته و صف بندی مشترک و مبارزه پیگیر در جهت کسب مطالبات را متمرکزتر ساخته است.

کشیده شدن مبارزات و اعتصابات کارگران به خیابان‌های شهرها همراه با خانواده‌ها و حمایت‌های کوبنده مردم (هپکو، هفت تپه، فولاد، سندیکا، شرکت واحد و ...)، در اعتراض به مزدهای ناچیز، تحمیل گرسنگی و کوچک‌سازی سفره خانواده‌ها، معوقات و وضعیت ننگین قراردادهای، درخواست مسکن مناسب، فساد گسترده در جریان جابجایی‌ها و خصوصی‌سازی‌ها در نهادهای مراکز و عرصه‌های مختلف، از جمله عرصه صنایع، دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و ...، بازداشت‌ها و پرونده‌سازی‌های بیش‌زمانه علیه کارگران، اعتصابات مداوم و سراسری معلمان و عدم حضور در کلاسها، تجمعات پیاپی بازنشستگان در مقابل مجلس، وزارت کار، سازمان برنامه و بودجه و سایر شهرها، تجمع و اعتصابات پرستاران در حیاط بیمارستان‌ها، اعتراضات وسیع دانشجویان، زنان، فعالان محیط زیست، همه و همه نشان دهنده این واقعیت است که استمرار این شرایط غیرانسانی و تحمیلی، راهی جز اتحاد و ارتقاء سطح مبارزات متشکل جاری مشترک برایمان دربرندارد.

علاوه بر این، در نهایت تأسف بخش عظیمی از مناطق ایران و مردم محروم در معرض فاجعه سیل اخیر قرار گرفته، شماری از مردم جان خود را از دست داده‌اند و خسارت‌های عظیمی به سرپناه و دارایی‌های شهروندان وارد گردیده است. یکی از

انقلاب می‌کند درمقابل انسان سرمایه‌دار به مثابه یک طبقه. واقعیت چنین بوده و تا زمانی که طبقات استثمارگر موجودباشند چنین خواهد بود.

بنابراین کاک سعید گرامی قدری فکرکنید از کدام موضع طبقاتی دفاع می‌کنید و شور و شوق نسبت به آن نشان می‌دهید، قدری چشمتان را به تجارب مبارزاتی طبقه کارگر درجهان کاملاً بازکنید و تنگ‌نظرانه آنها را بررسی نکنید، خواهید دید که انقلاب کارگری را جزباتکیه به تئوری انقلابی و علمی کمونیستی نمی‌توان پیش برد. این انقلاب حتمی است و سوخت ساز هم دارد اما با گرویدن به شیوه تفکر خرده بورژوازی سوختش به مراتب بیشتر از ساز آن خواهد بود.

ک.ابراهیم - ۸ فروردین ۱۳۹۲

فرخنده باد اول ماه می (۱۱ اردیبهشت)

روز اتحاد رزمنده کارگران ایران و جهان علیه نظام سرمایه‌داری!

حرکت دلیرانه صدها هزار کارگر شهرهای مختلف آمریکا در روز اول ماه می ۱۸۸۶ که برای برقراری ۸ ساعت کار در روز، اعتصاب کردند و بسیاری از آنان در صفوف متحد و فشرده در خیابان‌های شیکاگو با قدم‌های محکم و بدون ترس از پلیس و دیگر مزدوران سرمایه‌داری به تظاهرات برای خواست به حق خود روی آوردند تنها برای مقابله با سرمایه‌داران و کارفرمایان استثمارگر آمریکا صورت نگرفت؛ این جنبش همچنین پیامی بود برای همبستگی و اتحاد کارگران همه کشورهای، فارغ از ملیت، جنسیت، عقیده، مذهب و نژاد در مقابل استثمار حاکم و شرایط دهشتباری که نظام سرمایه‌داری بر کارگران و دیگر مردم زحمتکش تحمیل کرده است. این پیام عملی، خونین و فراموش‌نشدنی که هنوز پس از ۱۳۳ سال در سراسر جهان طنین انداز است ادامه درسی بود که پیشروترین کارگران و اندیشمندان جهان با ایجاد اتحادیه بین‌المللی کارگران به طبقه کارگر ارائه کرده بودند.

پیام اول ماه می حدود صد سال پیش در ایران نیز منعکس شد و کارگران ایران سال‌ها این روز را جشن گرفته و این روز



راه ما سوسیالیسم

راه ما سوسیالیسم و تکیه به کارگران و زحمتکشان برای تغییر انقلابی جامعه

در تغییرات و تحولات عظیمی که در جامعه ایران در حال تکوین است و صف آرائی طبقاتی هر روز شکل نهایی کی بر کی را به خود می گیرد پرولتاریای ایران با سابقه بیش از صد سال مبارزه افتخار آمیز همراه متحدین نزدیک خود: توده های وسیع مردم از جمله زنان ستمدیده، خلق های تحت ستم، معلمان، پرستاران، قشون عظیم بیکاران - اکنون چه راه حلی را ارایه می دهد و در برابر بدیل های طبقات ستمگر و استثمار گر که از پشتیبانی ارتجاع منطقه ای و امپریالیسم جهانی برخوردارند و از لحاظ طبقاتی دارای پایه های مشترکی با حاکمان کنونی دارند، چه مشی سیاسی عمومی را که متکی به توده های عظیم مردم ایران است و در خدمت آنهاست پیشنهاد می کند؟

ای کاش چپ و کمونیستهای ایران در این سال های طولانی تدارک برای چنین روز هائی را می توانستند با جمع بندی از کل جنبش جهانی کمونیستی و ایران، با مطالعه و بررسی اوضاع تغییر یافته، جمعی و در همکاری باهم، به نتایج مشترکی برسند. ای کاش امروز می شد بر اساس آن کار جمعی و دقیق پلاتنفرم مشترک بدیل کارگری را در برابر بدیل بورژوازی رو به امپریالیسم متحدن قرار داده، به خواست قاطبه نیروهای طرفدار چپ و طبقه کارگر که از پراکندگی چپ درد می کشند پاسخی مثبت می داد. البته نباید فراموش کرد که امروز همان مبارزات طولانی نظری، همان تلاش های وحدت طلبانه، همان وجود کنفراس ها و تبادل نظر های پالتاکی تاثیرات مثبت خود را گذاشته و می توان گفت امروز اکثریتی در خطوط کلی روی یک مشی سیاسی عمومی مشترکی عمل می کنند. این مشی عمومی که بر اساس اندیشه های اساسی کمونیسم علمی ریخته شده است و از موضع طبقه کارگر و جهان بینی آن برای تغییر جهان کنونی حرکت می کند براندازی کل نظام سرمایه داری حاکم و جا گزینش با نظامی کاملن نوین یعنی سوسیالیسم را در دستور کار دارد. این مشی بر اصل اساسی « توده ها سازندگان تاریخند » استوار است و تاکید دارد برای اینکه مطمئن شویم پیروزی از آن طبقه کارگر خواهد شد و پس از کسب قدرت سیاسی قادر به حفظ آنست باید عظیم ترین

نیروهای اجتماعی جامعه را تا سطح ۹۸ در صد بسیج و متشکل کرد و روی اصل تمام و کمال در خدمت آنها بودن پافشاری نمود. از سوی دیگر خود جنبش کارگری با گسترش وسیع و بی سابقه، با ایجاد تشکل های مستقل خود در شرایط بسیار سخت دیکتا توری، با جانفشانی پیشروان خود توانسته به عنوان یک نیروی موثری در صحنه اجتماعی ظاهر شود و فعالینی چون شاهرخ زمانی از میان آنها برخیزد که بطور همه جانبه و سیستماتیک اصول و برنامه ای را بعنوان پیشنهاد ارائه دهد. پیشنهادی که در بر گیرنده ی سه بخش کلیدی برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی پیش روست:

یکم - باید برای یکی شدن نیروهای چپ انقلابی در حزب سیاسی پیشرو کارگری مبارزه کرد

دوم - باید برای ادامه ایجاد تشکل های مستقل کارگری بهر شکل طبق شرایط مشخص و تکامل آنها با اتحاد بزرگتر و سراسری آنها با تمام نیرو و بدون از فرقه گرایی تلاش کرد

سوم - برای ایجاد اتحادی وسیعتر و گسترده تر که بتواند عظیم ترین توده های ستم دیده و استثمار شده را زیر یک چتر در آورد و به هدف ایجاد وسیعترین دمکراسی توده ای برای خود آگاهی و نوسازی در خدمت مشی عمومی پرولتاریائی تلاش کرد.

پراتیک وسیع جنبش کارگری، پسی از کشتن شاهرخ زمانی توسط نیروهای امنیتی در زندان نه تنها صحت گفتار او را به ثبوت رسانده است بلکه با جنبش دیمه نود شش و در سال گذشته مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز گامی بازم موثر تر در بدیل کارگری برداشته شد. کارگران هفت تپه با کشاندن مبارزه خود تا سطح مبارزه با خصوصی سازی و جایگزینی آن با قدرت شورا های کارگری

راه عملی نوینی را در پیشروی جنبش کارگری نشان داد. وجود تضادهای متعدد در جامعه، فروماندگی حکومت و تضاد میان خود حاکمان برای واحدهای اقتصادی مانند هفت تپه شرایط برای قدرت گیری شورای کارگران در مقیاس کارخانه ای و محلی موجود است و هرچه با مبارزات توده ای ضعف بازم بیشتر حکومت عیان شود بر توانائی پائینی ها برای اداره کردن امور خود بیشتر خواهد شد. احزاب و سازمان های چپ و کمونیستی هوشیارانه این حرکت های جنبش های عملی کارگری را باید دنبال

کنند، تجارب را در پرتو اصول کمونیسم جمع بندی کنند و راه مشخص انقلاب کنونی ایران را قدم به قدم به عمل توده ای تبدیل سازند.

حزب رنجبران ایران با گذشتن از فراز و نشیب های زیادی، با پراتیک طولانی که در آن گاهی اشتباهات و انحرافات خط مشی هم بوده، با جمع بندی مکرر، با بکار بردن شیوه راستین انتقاد و انتقاد از خود و در این زمینه مبارزه با نفی گرایی و انحلال طلبی و پافشاری روی اصل «نجات بیمار نه کشتن او» ، توانسته با درایت بیشتر، بر اساس سه نکته اساسی با لا کار کند.

امروز دیگر زندگی حزبی ما و پراتیک اجتماعی کل جنبش چپ ایران این حقیقت را آشکار کرده است که کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر به آسانی امکان پذیر نیست.

قوی شدن دشمنان طبقه کارگر، بسط و گسترش شیوه تولید سرمایه داری در کلیه زمینه ها و به روز کردن دائمی خود، رشد و تکامل آن به قدرت های سیاسی انحصاری تا حد سرکردگی بر کل نظام که امپریالیسم آمریکا یک نمونه بارز آنست، وجود جناح های پر قدرت بورژوازی و خرده بورژوازی در صحنه سیاسی ایران، انجام وظیفه تاریخی طبقه کارگر که مارکس آنرا گورکن سرمایه داری خواند بس سخت و بغرنج شده است. دیگر نه می تواند با موتور کوچکی، موتور بزرگ را راه انداخت و نه می شود با حمله دروغین به خط مشی توده ای تحت عنوان پاپولیسم از نقش تعیین کننده توده در انجام انقلاب دوری جست.

علاوه بر این وجود صنعت نفت و در آمد هنگفت آن در دست بوروکراسی نظامی -اداری حاکم، رشد ناموزون اقتصاد و اساسن کمپرادوری بودن آن، قرار گرفتن ایران در یک منطقه استراتژیک جهانی، دخالت قدرت های بزرگ در امور ایران، دمیدن خرافات و اعتقادات غیر علمی و ده ها عوامل دیگر همه و همه بر سختی، نا همواری و طولانی راه برای رسیدن به آزادی و برابری گواهی می دهند.

با اینکه امروز احزاب و سازمان های چپ در این چهل سال گذشته توانسته اند با درایت تر از گذشته عمل کنند و امروز در خطوط کلی دارای برنامه های مشترکی برای پیش روی به جلو هستند اما درست به خاطر نداشتن درک مشترک در زمینه این خصوصیات سه گانه انقلاب کنونی ایران: سخت، بغرنج و طولانی از یک سو



طبقات ستمدیده و نیروهای مقاومت علیه حکومت های دیکتاتوری بکار می برده اند . بعضی ها حتی اصل لغت اسه سن را از ایران می دادند که به از جنبش حسن صباح - هاشائین حکایت دارد.

از دید ماتریالیسم تاریخی قهر نقش ماما را در جامعه ای که آبتن جامعه ای نوین است بازی می کند. اما هر طبقه با توجه به تاریخ، شرایط نیروهای مولده و صف آرای طبقاتی شیوه های خود را در بکاربرد قهر بکار می برد. از زمانی که طبقه کارگر به شکرانه کار پر ارزش علمی مارکس وانگلس صاحب جهانی و تئوری خود شد به کار بر قهر توسط پرولتاریا خصلت توده ای پیدا کرد . برجسته ترین جنگ های تودهای داخلی ضد اشغالگری ژاپن در چین است که مائوتسه دون آنرا در کتاب معروف خود " در باره جنگ توده ای " عرضه کرده است.

در تاریخ ۲۴ بهمن در استان سیستان و بلوچستان یک خودروی بمب گذاری شده انتحاری در برخورد به یک اتوبوس سپاه پاسداران باعث کشته شدن ۴۱ نفر و زخمی شدن ۲۷ نفر شد. جمهوری اسلامی اسرائیل و عربستان و امارات متحده و آمریکا را مسئول آن دانست و بصورت گلايه ای نسبتا تند از سازمان اطلاعات و امنیت پاکستان خواست که در این کار اطلاعات خود را در اختیار دولت ایران قرار دهد. سازمان ملل متحد آنرا محکوم کرد و بقیه هم خود را از این کار تروریستی مبرا دانستند. سازمان جیش العدل که بعد از گروه ریگی تشکیل شده است مسئولیت آنرا بعهده گرفت. ضربه هایی از این دست به رژیم شریاطی را بوجود می آورد که رژیم تروریست اسلامی خود با توسل به آن برای خود حقانیت بخرد و از موضعی طلبکارانه سرکوب را در منطقه و علیه حقوق اولیه مردم گسترش دهد. روشن است که ما با مشکلات ملی و در بین خلق های ساکن ایران بطور جدی مواجه هستیم مبارزه ملل ساکن ایران برای حق تعیین سرنوشت با کار تروریستی همچون اهواز و این بار در بلوچستان هیچ قربانی ندارد. عملیات تروریستی از این نوع نه تنها به لحاظ سیاسی - نظامی رژیم را ضعیف نمی کند بلکه زمینه ساز کارهای بیشتر تروریستی توسط خود رژیم خواهد شد و بهانه ای برای سرکوب و ایجاد فضای امنیتی - نظامی که کاملا با مبارزات تودهها در رو در رویی با رژیم متضاد و گاهنا بطور مستقیم علیه مبارزات کارگران و زحمتکشان که خواهان مبارزه ای روشن با درخواست هایی روشن که بتوانند تودهها را به انقلاب جلب کنند ، بوجود خواهد آورد . کار تروریستی بطور معمول در جهت ترس و ارعاب دشمنان و از بین بردن امنیتی که مخالفان ایجاد کرده اند است. با توجه به شناخت از حکومت های مرتجع منطقه از جمله خود رژیم جمهوری

در بازار به فروش می رسد کمونیست باید ضمن حفظ رادیکالیسم انقلابی در براندازی رژیم سرمایه داری حاکم از خواست توده های وسیع مردم پیروی کنند ، با جنگ علیه ایران ، با ورود نیروهای بیگانه زیر هر عنوان و با هر نامی باشد مخالفت کنند، خود پرچم میهن دوستی و مبارزه ضد امپریالیسم وارتجاع محلی را برافراشته نگهدارند. انتخاب بد و بدتر و رشکستگی خود را در میزان داخلی در این سال ها بخوبی نشان داده است نباید در سطح جهانی با چشم داشت به امپریالیسم و مرتجعن منطقه ای تحت عنوان اینها از رژیم حاکمان کنونی ایران که بدتر نیستند دنباله رو این توطئه ی نوین سرمایه داری جهانی شد. مردم ایران بی شک جواب دندان شکنی به مزدوران و جیره خواران خارجی که در ارتباط با دستگاه های امنیتی کشور های امپریالیستی برای براندازی هستند خواهد داد. طبقه کارگر ایران همراه توده های وسیع متحدش با تحقق امر ضروری و مبرم یکی شدن کمونیستی چنان قدرتی است که با اتکا به نیروی خود و با همبستگی مردم مترقی جهان می تواند به نیرویی شکست ناپذیر در براندازی رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شود.

تروریسم

تروریسم به هر شکل و در هر میزانش امروز به قدرت یابی بازهم بیشتر طبقه حاکم جهان بورژوازی خدمت می کند با منافع طبقه کارگر ، ستمدیگان جهان و توده های عظیم نردم در تضاد است . وظیفه چپ و کمونیست هاست با این پتیاره ی دوره انحطاط و بحران ساختاری سرمایه داری به مبارزه برخیزند . کشتار جمعی اوریل در کولمبو پایخت سیلان (سیری لانکا) یکی از نمونه های جدید داعش است که توسط سلول های پراکنده ی آن که بنام سلول های " خوابی " معروفند صورت گرفته است. اثرات آن بسود بورژوازی و قدرت دولتی از هم اکنون دیده می شود. قدرت نمایی نیروهای مسلح ، اعلام حکومت نظامی و گسیل گشت و سرکوب در محلات مسلمانان برای جبران سهل انگاری تنام عیار حکومت است. آقای ترامپ بر خلاف ارزیابی های نیروهای نظامی و اطلاعاتی اش سال قبل پایان قدرت داعش را اعلام کرد در حالیکه همان زمان کارشناسان آنرا توهم او اعلام کردند. تروریسم پدیده ایست دیر پای که در گذشته

و دوری از پراتیک عملی در میدان های گسترده مبارزات طبقاتی در جامعه هنوز باید گام مهمی را در امر یکی شدن و متحد شدن در یک حزب متحد انقلابی پیشرو طبقه کارگر بعنوان وظیفه ای مبرم و ضروری بر دارند.

فرقه ها نسبت به این او ضاع انقلاب ایران دچار توهم اند به بورژوازی حاکم ، بورژوازی و خرده بورژوازی مخالف حاکمیت ، به نقش امپریالیسم در ایران کم بها میدهند هنوز فکر می کنند نقش موتور کوچک را می توانند با نیروی حزبی خود بازی کنند و طبقه کارگر را به حرکت در آورند. آنها با غلو کردن در راستین بودن مشی و توانائی دسته خود و کم بها دادن تا حد نفی دیگر نیرو ها و مهمتر کم بها دادن به نقش تاریخ ساز فعالان کارگری و دیگر پیشروان جنبش های توده ای عملن سدی در برابر یکی شدن و متحد شدن نیروهای چپ و کمونیست هستند. واقعیت اینست که در این اوضاع خوب که اکثریت مردم از رژیم جمهوری اسلامی رو گرد دانده اند و رژیم در مانده و فرومانده است ، نیروهای چپ و کمونیست همچنان پراکنده عمل می کنند ، نفی گرایی و فرقه گرایی همچنان موجود است و هیچ حزبی به تنهایی قادر نیست خط مشی عمومی خود را به میان توده ها برد و آنرا به نیروی مادی برای آزادی و برابری و سوسیالیسم تبدیل سازد.

بهترین حرف ها و ده ها برنامه درست چنانچه نتواند تبدیل به یک قدم عملی توده ای شود بی ارزش است. ارزش واقعی یک برنامه انقلابی هنگامی شناخته می شود که توده ها آنرا بپذیرند ، متشکل شده و مبارزه کنند. این کار در گرو گام تعیین کننده بعدی جنبش کارگری و کمونیستی است.

در استانه ی اول ماه مه ، روز همبستگی کارگری باید برای یکی شدن جنبش پرافتخار کمونیستی ایران که در این صد سال هزاران کشته داده ، خالق یک راه ، روش و فرهنگ نوینی در جامعه بوده است بعنوان وظیفه مبرم تلاش کرد. برای اینکار باید روی نکات مشترک که اصول اند متحد شد و به ضرورت چگونگی براندازی سرمایه داری جمهوری اسلامی حاکم پاسخ گفت. کمونیستها ایران در صورت متحد شدن می توانند با توجه به خیزش پر قدرت جنبش کارگری و توده ای به نیروی اصلی تغییر برای آزادی ، دمکراسی و سوسیالیسم تبدیل شوند.

در اوضاع کنونی که بدیل های پرو امپریالیسم و پرو اسرائیل و عربستان سعودی

بحران جهانی

بحران جهانی. جنگ، محیط زیست و بحران اقتصادی: انعکاس وضعیت سال ۲۰۱۸، پیش بینی سال ۲۰۱۹

توسط رابرت جی بیوروز - دوم ژانویه ۲۰۱۹، تحقیقات جهانی

Robert J. Burrowes



در بسیاری از موارد، سال ۲۰۱۸ سال دردناکی بود؛ یک سال فرصت های از دست رفته، زمانیکه اوضاع بسیار خطرناکی را داریم.

از لحاظ سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی، مالی و یا محیط زیست، بشریت گام های عظیمی را به عقب برداشت، در حالیکه فرصت های بی پایانی را برای ایجاد شرایط متفاوت مثبت در جهان از دست داد. بگذارید بطور خلاصه برخی از مراحل وخیم را شناسایی کنیم، با شروع بولتن دانشمندان اتمی که در ماه ژانویه تأکید می کنند که امسال هم اکنون شروع بدی داشته زمانیکه ساعت روز قیامت را به دو دقیقه تا نیمه شب، نزدیک ترینی که تا به امروز به روز "قیامت" رسیده بوده است (و برابر است با سال ۱۹۵۳ زمانیکه اتحاد جماهیر شوروی سلاح هسته ای را مطابق با ظرفیت ایالات متحده منفجر کرد). ببینید، « اکنون دو دقیقه تا نیمه شب باقی مانده است ».

این تغییر منعکس کننده وضعیت خطرناک جهان ماست، به ویژه با توجه به تهدید تازه جنگ هسته ای و فاجعه مدام محیط زیست و آب و هوا. این حتی اشاره ای به حمله عظیم و بی رحم به زیست کره خاکی (جدا از محیط زیست)، و البته جنایات بسیار عظیم مداومی که بر علیه بشریت است نکرد.

برخی رویدادها و ویژگی های خاص و نا امید کننده سال ۲۰۱۸

۱ - نخبگان جهانی با استفاده از گرد هم آئی های اصلی گروه ۳۰، کمیسیون سه جانبه، بیلدبرگ و نشست اقتصادی جهانی، هم چنان به برنامه ریزی، تولید و جنگ های مداوم ادامه می دهند، استثمار هرچه

شدید تر در اقتصاد جهانی، تخریب محیط زیست و آب و هوا و بحران پناهندگان در میان بسیاری از اعمال خشونت آمیز، در پی یافتن قدرت، سود، امتیاز هر چه عظیم تر نخبگان.

۲ - سازمان های بین المللی (مانند سازمان ملل متحد، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول) و دولتهای ملی با استفاده از نیروی نظامی، سیستم های حقوقی، نیروهای پلیس و سیستم های زندان در سراسر جهان برای دفاع از منافع نخبگان جهانی علیه اکثریت جمعیت انسانی از جمله آن افراد و سازمان هایی که به اندازه کافی متهور و برای مبارزه با قدرت، سود و حق ویژه نخبگان به چالش کشیده می شوند.

۳ - یک تریلیون و ۷۰۰ میلیارد دلار بطور رسمی در سراسر جهان برای تسلیحات نظامی به منظور کشتن انسانها و سایر موجودات زنده برای نابودی زیست کره هزینه شد. (۱)

با این حال، چنان هزینه های نظامی خارج از کنترل است که ایالات متحده در ۲۰ سال گذشته هزینه های نظامی به ۲۱ تریلیون دلار رسیده که حتی نمی تواند حساب کند یا حساب پس بدهد! بله این یک حقیقت است که سالیانه یک تریلیون دلار از جمله سال ۲۰۱۸ که بالا تر از بودجه ملی رسمی ایالات متحده برای قتل عام "از دست رفته" است. ببینید تنظیمات صندوق عمومی ارتش که به اندازه کافی مستند نشده یا تأمین نشده است، "آیا دولت ما ۲۱ تریلیون دلار از پول ما را بدون اینکه به ما گفته باشد هزینه کرده است؟" و "پنتاگون (وزارت دفاع) نمی تواند در مورد ۲۱ تریلیون دلار حساب (اشتباه تایی هم نیست) پس دهد."

۴ - جنگ و دیگر خشونت ها و بیدادگری های نظامی هم چنان در سراسر این سیاره با شرارت در بسیاری از کشورها و مناطق مختلف، به ویژه در خاور میانه و آفریقا ویرانی به بار آورد. اگر شما این را نادیده می گیرید، آنچه را که در یمن اتفاق می افتد، به عنوان "بدترین بحران جهانی [بشر دوستانه] در دهه ها" با سه چهارم کل جمعیت کشور یمن - ۲۲ میلیون زن، کودک و مرد - که به کمک های بشر دوستانه برای ادامه زندگی نیاز دارند "را توضیح دهید. نگاه کنید به موضوع "یمن: رئیس سازمان ملل متحد «نشانه هایی از امید» در بدترین فاجعه ساخته شده توسط بشر".

۵ - راضی نبودن با ماهیت و گسترش خشونت نظامی، با ضرباتی که هم اکنون آنها بر مردم در سال ۲۰۱۸ وارد آوردند،

نخبگان هم چنان برنامه ریزی می کنند که چگونه آن را بطور مؤثر تر در آینده با تحقیق و توسعه هوش مصنوعی، که تنها یک تجلی از این: "یک مسابقه تسلیحاتی در هوش مصنوعی" است در حال حاضر توسط ایالات متحده، چین، روسیه و دیگر کشورها (از جمله انگلستان، اسرائیل و کره جنوبی) در حال شکل گیری ست و در تلاش هستند تا در زمینه تسلیحات هوش مصنوعی و رباتیک به منظور بدست آوردن مزیت قطعی علیه رقبا این قدر که "هوش مصنوعی برای هر جنبه از جنگ، از تدارکات و نظارت برای شناسایی هدف و مدیریت جنگ استفاده شود." (۲)

۶ - دولت ایالات متحده بطور یک جانبه از پیمان هسته ای میان محوری (آی ان اف) (که استقرار تسلیحات هسته ای میان محور را محدود میکند) خارج شد.

۷ - یکی دیگر از بخش های قابل توجه ای از ثروت مالی جهانی خصوصی - که محتاطانه توسط شبکه عدالت مالی در سال ۲۰۱۰ تخمین زده شده که بین ۲۱ تا ۳۲ تریلیون دلار و تقریباً بدون مالیات از طریق بزرگترین سیاه چال مالی جهانی که هنوز در حال گسترش است یعنی بیش از ۸۰ پناه گاه مالیاتی در خارج کشور (مانند شرکت غول پیکر در شهر لندن، جرسی، گورنسی، جزیره من، برمودا، جزایر کیمن، هنگ کنگ، نانورو، سینت کیتس، آنتیگو، تورتولا، سوئیس، جزایر کانال، موناکو، قبرس، جبل الطارق و لیختن آشتین) سرمایه گذاری شده است. این تنها ثروت مالی است. "سهام عظیمی از املاک و مستغلات، قایق های عظیم تفریحی، اسب های مسابقه ای، آجرهای طلائی - و بسیاری از چیزهای دیگر که به عنوان ثروت غیر مالی شناخته می شوند - که از طریق ساختمان های ساحلی جائیکه غیر ممکن است صاحب آن شناسایی گردد، صاحب هستند." (۳)

کنترل شده توسط نخبگان جهانی، وال استریت و دیگر بانک های هیولا حرکت این ثروت های عظیم را تحت حمایت دولت مدیریت می کنند. "کسب و کار آنها قلب و سرقت عظیم است." موقعیت های پناه گاه مالی بیشتر از اجتناب از مالیات دادن است. "تقریباً هر چیزی ادامه می یابد." این شامل رشوه، قاچاق غیر قانونی، قاچاق پول، قاچاق انسان و قاچاق جنسی، فروش و معامله اسلحه، رو برداری زباله سمی، الماس های مناقشه و قاچاق انواع یا گونه های در معرض خطر، انجام قاچاقی معامله نرم افزار و سایر اقدامات غیر قانونی



رسیدن اشعه خورشیدی به سطح کره زمین می‌گردد - و هم چنین تغییرات آب و هوای زمین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آب و خاک را با هزینه‌های باور نکردنی آلود می‌سازد و به سلامتی و رفاه موجودات زنده و زیست کره ارضی صدمه می‌زند. (۲۲)

۳۳ - به عنوان یک نتیجه از مدل نا کارایی عملکرد والدین و سیستم های سیاسی، فاشیسم در سراسر جهان هم چنان در حال افزایش است. (۲۳)

۳۴ - علیرغم وجود اعتقاد بر اینکه ما "حق داشتن حریم خصوصی داریم"، حریم خصوصی (به هر مفهومی از این کلمه)، در سال ۲۰۱۸ دیگر فرسوده شده است و در حال حاضر اصلاً وجود ندارد، به ویژه با توجه به الفبای (صاحب گوگل). با هم، "او بر، اما زان، فیس بوک، ای بای، تندر، اپل، لفت، فوراسکو، اربنب، اسپاتیفای، اینستاگرام، توایتر، انگری برُد... تلفن ها و کامپیوترهای ما را تبدیل کرده است به اشکالی که وصل شدند به یک شبکه نظارت گسترده شرکتهای عظیم. کجا میرویم، چه کاری انجام می‌دهیم، در چه موردی صحبت می‌کنیم، با کی صحبت می‌کنیم، و چه کسی را می‌بینیم - همه چیز ضبط شده است و در برخی موارد، وسیله نفوذ برای سنجیدن. " علاوه براین، با توجه به روابط یک پارچه گوگل با دولت ایالات متحده، ارتش آمریکا، سازمان جاسوسی سیا و تولید کنندگان عمده اسلحه ایالات متحده واقعاً چیزی نیست که شما بتوانید انجام دهید که توسط کسانی که بخواهد بدانند، شما شناخته نشوید. اساساً گوگل یک شرکت قدرتمند جهانی با دستور کار سیاسی خود و مأموریت برای حد اکثر رساندن سود برای سهام داران است و تا حدودی این را با گسترش برنامه های نظارت دولت امنیت ملی در جهت نخبگان جهانی به دست می‌دهد. (۲۴)

۳۵ - حق آزادی بیان در سال ۲۰۱۸ از مردم مثل سابق گرفته شده است. برای تنها دو نمونه در ایالات متحده به تنهایی به "مارک لمانت هیل که از سی ان ان اخراج شده، سخنان وی در مورد فلسطین + مور" و "یک سخنرانی در مدرسه ابتدایی تگزاس، پزشک ویژه آسیب شناس نپذیرفت که سوگند نامه طرفداری از اسرائیل را امضا کند، که در حال حاضر در بسیاری از ایالت ها اجباری ست - بنابراین او کار خود را از دست داده است."

۳۶ - اعتقاد بر این که ما بهتر از سیر تکامل میدانیم، انسان ها اولین نوزاد ویرایش شده ژنی را در سال ۲۰۱۸ به دنیا

۲۸ - یخ در قطب جنوب به طوری در حال آب شدن است و طوری رکورد را شکسته که در سال ۲۰۱۸، ۲۱۹ میلیارد تن یخ از دست می‌دهد که در پنج سال گذشته سه برابر شده است. (۱۸)

۲۹ - مقدار غیر قابل شمارش از سموم زراعی کشاورزی، سوخت های فسیلی و سایر ضایعات به اقیانوس ریخته شده است که در نتیجه در تمام عمر اقیانوس زندگی موجودات را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد- براساس برآورد دانشمندان، " سطح متناوب مواد شیمیایی سمی موجود در میان موجودات ته دریا - و ایجاد " مناطق بی جان " اقیانوس: مناطقی که دارای اکسیژن کم برای حمایت از موجودات دریایی هستند. (۱۹)

۳۰ - حد اقل ۸ میلیون تن پلاستیک، از جمله ۲۳۶ هزار تن میکرو پلاستیک به اقیانوس ریخته شده است. " ورود مواد زائد پلاستیک از زمین به اقیانوس " و "پلاستیک در اقیانوس".

۳۱ - آبهای زیر زمینی و آبهای چشمه ها بیشتر تخلیه و آلوده شده اند. این آلاینده ها شامل باکتری ها، ویروس ها و مواد شیمیایی خانگی از سیستم های معیوب گندیده؛ زباله های خطرناک از محل های زباله های خطرناک رها شده و کنترل نشده (که تنها در ایالات متحده بیش از ۲۰ هزار وجود دارد)؛ نشت از مواد دفن زباله مانند اسید باتری خودرو، تمیز کننده های رنگی و خانگی؛ آفت کش ها، علف کش ها و دیگر سموم در مزارع و باغ های خانگی استفاده میشود؛ اتلافات رادیو اکتیو از آزمایشات هسته ای، و آلودگی شیمیایی ناشی از شکستن هیدرو لیکی (۲۰) در جستجوی گاز سنگ نفت ز، که حدود ۷۵۰ ماده شیمیایی و اجزای آن، برخی از آنها بسیار سمی و سرطان زا مانند سرب و انواع مواد نفتی قابل اشتعال استفاده شده است. (۲۱)

۳۲ - استفاده مدام از فعالیتهای پنهانی نظامی از ژئودینامیک - سم پاشی ده ها میلیون تن از فلزات بسیار سمی (از جمله آلومینیوم، بار یوم و استرانسیوم) و نانوکامپوزیت های خاکستر سمی ذغال سنگ (حاوی آرسنیک، تالیم، کلر، برم، فلور، ید، جیوه و عناصر رادیو اکتیو) به اتمسفر از هواپیماهای جت به منظور ایجاد تسلیحات در جو و آب و هوا - به منظور افزایش کنترل هر چه بیشتر نخبگان از جمعیت بشر به طور سیستماتیک ادامه یافته است. ژئودینامیک بطور سیستماتیک لایه های اوزون کره زمین را نابود می‌سازد - که مانع بخش مهمی از

متر مکعب (گیگاتون) دی اکسید کربن را به سمت جو زمین انتقال داد که ۲.۷ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۱۷ است. نگاه کنید به « بودجه جهانی کربن ۲۰۱۸ » و « انتشار گاز دی اکسید کربن در سال ۲۰۱۸ به رکورد جهانی خواهد رسید ». به عنوان یک تدبیر از نگرانی آنها، دولت های کنترل شده توسط نخبگان و شرکتهای در سراسر جهان، در حال حاضر در حال طرح ریزی یا در حال ساخت یک هزار و ۳۸۰ کارخانه ذغال سنگ جدید هستند؟ این واقعیت دارد. یک هزار و ۳۸۰ کارخانه جدید ذغال سنگ در ۵۹ کشور. (۱۴)

۲۴ - ۹۰ میلیارد حیوانات روی زمین و ۶۰ میلیارد حیوانات دریایی برای مصرف انسان کشته شده اند، بیش از ۱۰۰ میلیون حیوان برای آزمایشگاه به تنهایی در ایالات متحده کشته شده اند و دیگر مرگ و میر حیوانات در پناهگاه ها، باغ وحش ها و تفریحات ورزشی خونین که حیوانات در آن قرار می‌گیرند. علاوه بر این ۴۰ میلیون از حیوانات برای جامه خز دار به هلاکت رسیدند. تقریباً ۳۰ میلیون از این حیوانات در مزارع خزانه ای کشته شده اند و حدود ۱۰ میلیون از حیوانات وحشی به دام افتاده و کشته شدند و ۱۰۰ ها هزار از خوک های آبی یا گوساله ماهی برای خز کشته شدند. (۱۵)

۲۵ - کشاورزی حیوانات برای مصرف انسان ۷ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تن گاز دی اکسید کربن به جو کره زمین انتقال داد. حدود ۴۴٪ از گاز های گلخانه ای در قالب متان (که ۴۴٪ از انتشارات سی اچ ۴ انتر و پوزنیک بود)، ۲۹٪ به عنوان اکسید نیتروژن (که ۵۳٪ از انتشارات نیتروژن اکسید انسانی) و ۲۷٪ به عنوان دی اکسید کربن (که ۵٪ از انتشار گاز های گلخانه ای انسانی بود). (۱۶)

۲۶ - استفاده انسانی از سوخت های فسیلی و پرورش حیوانات ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تن (اکسید دی کربن معادل) اکسید نیتروژن را در جو زمین انتشار داد.

۲۷ - در نتیجه انتشار گاز های گلخانه ای قبلی و افزایش درجه حرارت تا حدود یک درجه سانتیگراد در دمای جهانی، موجب ذوب شدن لایه منجمد دائمی اعماق زمین در قطب شمال و کلاترایتهای یخ متان در زیر دریا، مقدار غیر متعارف متان بطور غیر مستقیم در طول سال ۲۰۱۸ به اتمسفر انتشار یافت (با مقداری که منتشر می‌یابد بیشتر از همیشه نزدیک تر به " انفجار" میرسد). (۱۷)



بی پایان می باشد. (۴)

۸ - شرکتهای چند ملیتی جهان هم چنان با ادامه خشونت بی پایان (به طرق بی شمار) به دنبال سود بی پایان با هزینه انسانها (انسان و غیره) و زیست کره زمین با تولید و بازاریابی طیف گسترده ای از محصولات نابود کننده زندگی، از سلاح های هسته ای و انرژی هسته ای تا مواد غذایی بنجل، داروهای وابسته به داروسازی، سموم مصنوعی و گیاهان ناقص شده از نظر ژنتیکی بودند (جی ام او). این شرکتهای غول پیکر شامل آنهایی هستند که در صنایع زیر فعالیت می کنند: تولید کنندگان سلاح، بانک های عظیم و "گروه های صنعتی" آنها مانند کنفرانس بین المللی پول، شرکت های مدیریت دارایی، شرکت های سرمایه گذاری، شرکت های خدماتی مالی، شرکت های سوخت فسیلی (مانند ذغال سنگ، نفت و گاز)، شرکت های رسانه ای، شرکت های عظیم تکنولوژی، شرکت های بزرگ بازاریابی و روابط عمومی، شرکت های غول پیکر کشاورزی (مواد ضد حشرات، دانه ها و کود های شیمیایی)، شرکتهای عظیم وابسته به داروسازی، بایو تکنولوژی (زراعت ژنتیک)، شرکتهای استخراج معادن، شرکت های انرژی هسته ای، شرکتهای چند ملیتی غذایی و شرکتهای آب. شما می توانید فهرست این شرکتهای عظیم را در این مقاله نام برده ببینید: (۵)

۹ - بیش از یک میلیارد نفر هم چنان تحت اشغال، دیکتاتوری و یا تهدید به حملات جنایتکارانه برای قتل عام زندگی کردند. به عنوان مثال، « ۵۰۰ سال به اندازه کافی دراز مدت است! جنایات انسانی در کنگو ». ۱۰ - ۳۶ میلیون و ۵۰۰ هزار انسان (عمدتا در آفریقا، آسیا و آمریکای مرکزی و جنوبی) از گرسنگی جان دادند.

۱۱ - ۱۸ میلیون و ۲۵۰ هزار کودک در اثر جنگهای منطقه ای یا از گرسنگی مردند و یا به طرق مختلف جان سپردند.

۱۲ - ۸ میلیون کودک به منظور بردگی جنسی قاچاق شدند؛ در اعدام های وابسته به قربانی (مذهبی) پس از ربوده شدن به قتل رسیدند؛ تولید مثل به عنوان یک محصول پول ساز برای تجاوز جنسی، تولید پورنوگرافی کودکان و فیلم های انفییزنی (که در آن کودکان در طی فیلمبرداری کشته می شوند)؛ بطور سنتی یا آئینی شکنجه و تجاوز توسط سگ های آموزش دیده برای این هدف. نگاه کنید به « راز کوچولو کثیف " بشریت » (۶) : گرسنگی دادن، به بردگی درآوردن، تجاوز جنسی، شکنجه و

کشتار کودکان ما.

۱۳ - ۱۰۰ ها هزار نفر به منظور بردگی ربوده شده و یا فریب داده شده اند که اکنون حق زندگی آزادانه را از ۴۶ میلیون انسان سلب شده، بسیاری از افراد محکوم شده - به ویژه زنان و کودکان - مجبور به زندگی برده جنسی، کار اجباری و یا به عنوان کودکان سرباز در خدمت جنایت کاران قرار گرفتند. (۷)

۱۴ - بیش از ۱۰۰ هزار نفر (به ویژه افراد شاغل در مقام طبابت یا وکالت فلون گونگ هستند) در چین، که در آن برنامه گسترده ای تحت کنترل دولتی انجام می شود، و با اجبار ارگان های بدن را به منظور فروش به افراد نیازمند به این ارگان ها داده می شود. (فلون گون یک مذهبی ست اقلیت در چین که سازمان جاسوسی آمریکا سالهاست آنها را علیه دولت مرکزی به منظور ایجاد اغتشاش در چین حمایت همه جانبه می کند - مترجم) ۱۵ - ۱۵ میلیون و ۷۵۰ هزار نفر توسط جنگ، زجر و شکنجه یا قحطی آواره شدند. در حال حاضر ۶۸ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر وجود دارند که بیش از نیمی از آنها بی کودک هستند و ۱۹ میلیون نفر از آنها بی وطن هستند که در سراسر جهان به صورت اجباری آواره شده اند و معمولا با شرایط نامطلوب و ناسازگار با مشکل مواجه می شوند. هم اکنون در جهان یک نفر در هر دو ثانیه با اجبار جابجا می شود. اگر باور ندارید ارقام را به یک نگاه مختصر ملاحظه کنید.

۱۶ - در نتیجه جنگ، شکنجه و آزار، بلایای طبیعی، کشمکش های داخلی، فقر و یا در نتیجه سیاستهای اقتصادی ملی توسط نخبگان، میلیون ها نفر در کشور خود بی خانمان شدند. آخرین باری که یک بررسی جهانی انجام شد - توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ - حدود ۱۰۰ میلیون در سراسر جهان بی خانمان بودند. تا یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر مسکن مناسب برای زندگی (در محله های کثیف و پر جمعیت شهر زندگی می کنند) ندارند. (۸)

۱۷ - ۷۳۰۰۰ از انواع موجودات زنده (گیاهان، پرندگان، حیوانات، ماهی ها، دوزیستان، حشرات و خزندگان) بر روی کره زمین به سوی انقراض رانده شدند، با از دست دادن حشرات در سراسر جهان، از جمله گرده افشان های حیاتی مانند زنبورها، در حال حاضر بین ۷۵٪ تا ۹۰٪ بسته به انواع موجودات (گونه ها) از بین رفته اند. آیا اخیرا پروانه ای دیده اید؟ (۹)

۱۸ - جدا از انقراض گونه های جهانی،

زمین هم چنان « یک قسمت بزرگی از کاهش و نابودی جمعیت را تجربه می کند که پیامدهای منفی زیادی را برای عملکرد اکوسیستم و خدمات حیاتی برای حفظ تمدن به همراه خواهد داشت. ما این را به عنوان یک "نابودی بیولوژیک" توصیف می کنیم تا میزان فعلی وقوع ششمین انقراض مهم در حال وقوع زمین را برجسته کنیم. « علاوه براین، انقراض جمعیت محلی " بیشتر از انقراض گونه ها است. اما، انقراض جمعیت، مقدمه ای بر انقراض گونه ها است، بطوریکه ششمین حادثه انقراض زمین بیشتر از اکثریت تصور شده است. " (۱۰)

۱۹ - قاچاق موجودات وحشی به ۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسیده، که بسیاری از گونه های در معرض خطر را به آستانه انقراض می کشاند. محصولات غیر قانونی حیات وحشی شامل طلا و جواهر، طب سنتی، لباس، میلمان و سوغاتی و هم چنین بعضی حیوانات خانگی عجیب و غریب که اکثرا به مصرف کنندگان بی اطلاع و لاقید در غرب فروخته می شود. (۱۱)

۲۰ - ۱۶ میلیون از جنگل های انبوه مناطق گرم و پر باران تر و تازه نابود شدند (با بیش از ۴۰ هزار گونه درختان گرمسیری هم اکنون در حال انقراض می باشند). به « سنجش تخریب روزانه جنگلهای جهان »، برآورد وضعیت حفاظت جهانی بیش از ۱۵ هزار گونه درختان آمازون « و « نیمی از گونه درختان آمازون » را ملاحظه بفرمائید. ۲۱ - مقادیر زیادی از خاک به دلیل ویرانی جنگل های انبوه مناطق پر باران و مقدار بسیار زیادی از هر دو جزء معدنی (ارگاتیک) (مانند فلزات سنگین مثل کادمیوم، کروم، سرب، جیوه، نیکل و روی) و آلودگی های آلی (به خصوص مواد شیمیایی مصنوعی به شکل کود، سموم دفع آفات و علف کشها) نیز به خاک منتقل شد، بنابراین ماده مقوی آن از لحاظ غذایی کاهش یافت و میکروبها را درون آن کشت. ما هم چنین مقدار زیادی از خاک را با مواد زائد رادیو اکتیو آلوده کردیم. (۱۲)

۲۲ - نیروگاه هسته ای تپکو در فوکوشیما، ژاپن ۱۰۹ هزار تن زباله های رادیو اکتیو در اقیانوس آرام ریخت و شمار قابل ملاحظه ای از ماهی ها و دیگر موجودات دریائی را نابود کرد و مناطق وسیعی از اقیانوس را آلوده کرد. (۱۳)

۲۳ - استفاده انسان از سوخت های فسیلی به منظور سوخت هواپیما، حمل و نقل و وسایل نقلیه (به غیر از اهداف دیگر) ۱۰ میلیارد



▲ آوردند. (۲۵)

۳۷ - مقدار غیر قابل شمارش ناخواسته به ۱۰۰ تریلیون اقلام ناخواسته در فضا اضافه شد. (۲۶)

۳۸ - مقادیر غیر قابل شمارش از ضایعات انتی بیوتیک، ضایعات اتمی (هسته‌ای)، نانو ساختارها، ارگانسیم های مهندسی ژنتیک به محیط زیست کره انتشار یافت. (۲۷)

۳۹ - ادامه خشونت علیه کودکان - در این شرایط اطمینان حاصل می شود که مردم به این طریق بزرگ خواهند شد و خواهند پذیرفت (و کاملاً ناتوان برای به چالش کشیدن) شرایط نا کارایی و غیر عادی و دنیای خشونت آمیز را. (۲۸)

۴۰ - رسانه های اصلی متعلق به شرکتهای غول پیکر، صنایع آموزشی و سرگرمی هم چنان ما را از واقعیت ها منحرف ساختند تا اطمینان حاصل کنند که اکثر مردم نسبت به مشکل خود و نقش خود در آن بی توجه و فراموشکار باقی بمانند، یعنی در مورد پاسخگویی به صورت قدرتمند بی تفاوت باشند.

در حالیکه لیست بالا که از شکست های بشریت و زمین در سال ۲۰۱۸ صحبت میکند که رنج میبرد بسیار ناقص است، اما هم چنان شواهد واضح نشان می دهد که بشریت به سرعت در حال ورود به آینده جامعه دولتی ای که در آن رنج فراوان و بی عدالتی وجود دارد که مخوف ترین شرایط در نوع خودش می باشد. خبر خوب این است که در با ره رشد شرایط فعلی، این دنیا با رنج بزرگ و بی عدالتی کوتاه مدت خواهد بود، زیرا انسانها خود را به فراز انقراض خواهند کشید. (۲۹)

اما، بطوریکه تصویر واضح و "متعادل" است: آیا در برابر این تهاجم، دستاوردهای دیگری صورت گرفت؟

البته، بدون شک گفته می شود که نخبگان جهانی، سازمانهای بین المللی (مانند سازمان ملل)، دولتها، شرکت ها و دیگر عوامل نخبگان هم چنان در پندار بیهوده و انکار، به طور بی پایان هر گونه ابتکاری را که نیاز به اقدام جدی برای شکاف یا قطع منافع شرکتها دارد، و یا بحث در مورد مسائل منحصر به فرد از پیامدهای ناچیز به آینده بشریت است دارد را مانع می شوند.

بطور خلاصه، من نتوانستم در طول سال ۲۰۱۸ برای رسیدن به توسعه و پیاده کردن صلح آمیز و صلح پایدار تلاشهای رسمی از جانب نخبگان پیدا کنم، اما شاید من نتوانستم چیزی در این مورد پیدا کنم.

با این حال، همانطور که شما احتمالاً متوجه

منابع مصرفی که نیاز به منابع ورودی جنگل انبوه مناطق گرو و پر باران دارند را کاهش دهیم. ما باید استخراج مواد معدنی که برای تلفن های همراه، کامپیوترها، وسایل نقلیه، کشتی ها و هواپیما ها بکار می روند را متوقف سازیم، ما باید از استفاده از محصولات و استفاده از خدمات این مواد معدنی خود داری کنیم. ما باید خوردن گوشت و سایر محصولات حیوانی را متوقف سازیم. و بنابراین لیست ادامه می یابد.

پیش بینی سال ۲۰۱۹

به طرق مختلف، پیش بینی اینکه در سال ۲۰۱۹ چه اتفاقی خواهد افتاد دردناک است عمدتاً به دلیل ساده بودن این کار: سال دیگر زمانی خواهد بود که فرصت های حیاتی که بسیار مورد توجه قرار می گیرند از دست خواهند رفت.

با توجه به دیوانگی نخبگان ثروت در جهان - (۳۱) - که ادامه خواهد داد به راندن پویایی تولید یک ویژگی خاص ناامید کننده ذکر شده در بالا با همکاری فعال از عوامل خود در دولت ها و شرکت ها، همراه با یک جمعیت انسانی است که تا حد زیادی وحشت زده، از خود متنفر و ناتوانی برای مقاومت - (۳۲) این یک وظیفه ساده ایست برای پیش بینی آنچه که در سال ۲۰۱۹ اتفاق خواهد افتاد.

بنابراین اجازه دهید من ۴۰ رویداد یا ویژگی خاص ناامید کننده را برای سال ۲۰۱۹ را بینی کنم.

۱ - لیست بالا را ببینید

۲ - لیست بالا را ببینید

۳ - لیست بالا را ببینید

۴۰ - لیست بالا را ببینید

بنابراین، مگر اینکه با آگاهی از این اوضاع ناپسامان و وحشتناک، به عنوان یک وظیفه دست به یک مبارزه جدی و فعال بزنند، سال ۲۰۱۹ و چند سال بعد یعنی تا سال ۲۰۲۶ همه چیز در این سیاره به پایان خواهد رسید. ملاحظه کنید تحقیق در مورد « انقراض بشریت را در سال ۲۰۲۶؟ یک استراتژی آخرین تلاش نهایی برای مبارزه به خاطر بقای انسان » (۳۳) که طیف گسترده ای از شواهد علمی و مدارک دیگر را ارائه می دهد که شما خودتان می توانید با تحقیق در نظر بگیرید که اگر این تاریخ ذکر شده نابهنگام یا قبل از موقع است.

واکنش قدرتمندانه

اگر در حال حاضر احساس می کنید قادر به پاسخگویی به این بحران چندجانبه قدرتمندانه هستید، به نحوی که تأثیر استراتژیک داشته باشید، از شما دعوت شده است



می شوید، با بسیاری از مسائل بالا حتی مقابله هم نشده و حتی زمانیکه فعالیتی از جانب نیروهای مترقی صورت می گیرد، توسط نیروهای درگیر در تخریب به انحاء مختلف با دید محدود مانع ایجاد میگردد (به ویژه اهداف غیر مستقیم مانند آنهایی که در رابطه با پایان دادن به جنگ و فاجعه آب و هوایی)، استراتژی پیچیده (ضروریست تا تأثیر عمیقی بر یک مخالف عمیقاً سرسخت، بسیار سازمان یافته و با ر فرم، با لابی بی پایان از نهادهای نخبه، مانند دولت ها و شرکت ها، با وجود تمام این تلاش ها، براحتی جذب و نابود کردن اختلاف عقیده ما در تمام سطوح، همانطور که در نظر گرفته شده است - همانطور که مارک تواین یک بار اشاره کرد: " اگر رای گیری قرار است تغییری ایجاد کند، آنها اجازه نخواهند داد ما آنرا انجام دهیم " و قصور در تصمیم گیری های دشوار برای ارتقاء راه حل های ضروری که " غیر معمول " هستند را ترویج می دهند.

اساساً این " تصمیمات دشوار " شامل نیاز حیاتی برای مبارزه برای جمعیت بشری، به ویژه در غرب می باشد، تا میزان مصرف خود را کاهش دهند - تا ۸۰٪ - هر دو انرژی و منابع هر نوع را به عنوان ویژگی مرکزی هر استراتژی برای تخریب محیط زیست و آب و هوا، از زیر تضعیف کردن هرچه بیشتر سرمایه داری و از بین بردن عامل اصلی جنگ که شامل: کسب منابع قاهر (جابر) از خاور میانه و کشورهای در حال توسعه برای تولید کالاهای مصرفی و خدمات برای مصرف کنندگان غربی.

مادامی که ما در این توهم زندگی می کنیم که می توانیم به راحتی انرژی های تجدید پذیر را با سوخت های فسیلی و انرژی هسته ای جایگزین کنیم (یا در این پندار بیهوده باشیم که ۱.۵ درجه سانتیگراد بالای ماقبل دمای صنعتی شدن تولید قابل قبول است یا اینکه ما دارای یک دوره تا آخر این قرن فرصت برای حل بحران آب و هوا داریم)، ما واقعیت اساسی را نادیده میگیریم که زیست کره زمین در محدوده های بسیاری در نتیجه استخراج بی نهایت از منابع طبیعی آن - مانند آب شیرین، مواد معدنی، چوب و مجددا سوخت های فسیلی - برای تولید مصرف کننده و ارائه خدماتی که فرا تر از انرژی هستند احاطه شده ایم.

بطور خلاصه، به عنوان مثال، ما جنگل های انبوه مناطق گرم و پر باران را نجات نمی دهیم، زیرا ما انرژی تجدید پذیر را تغییر می دهیم. ما باید تقاضا را برای محصولات



و برای ارتباط با دانشجویان تا سرنگونی رژیم و تحت کمک های رضا پهلوی به عنوان یک فرد فراسیاسی شکل گرفته است . و با تعدادی از تحصیلکردگان خارج برای ایجاد گروه ققنوس با همین روال و ظاهرا برای تحقیق علمی راجع به مشکلات ایران که می تواند سریعا به وزرای دولت آینده تبدیل شوند، تاسیس شده است. (رضا پهلوی ادعا کرده است که شفاف سازی یکی از شرایطش برای همکاری با هر نیرویی است ولی راجع به کمک های دیگران به خود و جریانش هیچ شفاف سازی انجام نداده است.) جالب است که هیچکدام از این گروه ها و یا مدیباها ظاهرا کار عملی نمی کنند و فقط کار ارتباط گیری و نظر دهی و را انجام می دهند.

روشن است که پشت این فعالیت ها نه طرح و نقشه کسانی مانند سلطنت طلبان و نسخه مذهبی آن مجاهدین نمی تواند باشد بلکه امکانات مجاهدین و سلطنت طلبان از پشت گاههای خفته ای حمایت می شوند تا بتوانند در موقعیت مناسب علیه جنبش آزادیخواهی و عدالت طلبی وارد میدان شده و همچون محمد رضا شاه با متحد شدن با بخش هایی از نیروهای رژیم اسلامی و سرکوب نیروهای سوسیالیست و کمونیست، نقشه های از پیش طرح شده را در جهت منافع امپریالیست ها و بورژوازی داخلی جلو ببرند. نقشه های کار و فعالیت سلطنت طلبان، قبلا در کشورهای دیگر بکار گرفته شده است و امپریالیست های غربی در این زمینه ها تجربیات ضد انقلابی زیادی دارند. آلترناتیو سازی از جناح ها و قشرهای عقب مانده و یا مرده تاریخی موضوعی تازه نیست. برخی مواقع این آلترناتیو سازی بصورت مضحکی در آمده است. بطور مثال چندی پیش گویا این توهم برای بخش هایی از سلطنت طلبان بوجود آمده بود که رضا پهلوی دیگر خواهان شاه شدن نیست. ناگهان یکی از نواده های خاندان قاجار ادعاهایی مطرح کرد و معلوم نبود از کدام رگ وریشه ای از غرب سر در آورده تا آقای رضا پهلوی را سرچاپش بنشانند

امروزه با تعمیق بحران در رژیم جمهوری اسلامی، سلطنت طلبان و مجاهدین و بخش های اصلاح طلب درون و بیرون حکومت اسلامی در حال فروش مطاع خیانت به مردم خود در بازار مکاره جناح های مختلف سرمایه داری جهانی هستند. این دارودسته های خود فروش و خائن به کارگران و زحمتکشان و توده های ستمدیده و استثمار شده برای فریب مردم سعی کرده اند خود را پشت خواست های کارگران و زحمتکشان و خواست های مترقی مردم پنهان کنند. آقایان از دموکراسی صحبت می کنند ولی خواهان حکومت مطلقه پادشاهی هستند که در ساختارهای قدرتش تاریخا هیچ انتخابات دموکراتیکی برگزار نشده است. از

سلطنت طلبان نیرویی ارتجاعی

سلطنت طلبان نیرویی ارتجاعی این روزها سلطنت طلبان مجدداً به جنب و جوش افتاده اند تا در شرایط جدیدی که ناشی از تحریمهای اقتصادی از یک سو و فساد و نفرت عمومی مردم از رژیم جمهوری اسلامی برای خود آبرویی بخرند و با تکیه به پول های امپریالیسم آمریکا به اپوزیسیون خودفروخته، برای گسترش "دموکراسی و آزادی" در ایران فعالیت های خود را گسترش دهند. سلطنت طلبان مانند همه نیروهای مرتجع و ضد مردم با وعده و وعید های گوناگون، با راه اندازی دهها رادیو و تلویزیون و سایت های گوناگون و تمرکز بسیاری از آنها بر روی ایران، چتر نفوذی خود را گسترش داده اند. رضا پهلوی هم سعی دارد نقش چهره ای کارزماتیک را در بین جناح های مختلف سلطنت طلب در خارج ایفاء کرده و مانند خمینی خود را در بالای سر آنها قرار دهد. رضا پهلوی ظاهرا با برافراشتن دموکراسی خواهی و بازی در بین دو صندلی جمهوری خواهی و سلطنت مشروطه، خود را به مثابه چهره ای دموکرات، آزادیخواه نشان دهد. اما روشن کردن این چهره با توجه به اینکه سلطنت طلبان نیروهایی تاریخی و در حال زوال هستند که امپریالیست های غربی برای آینده ایران به عنوان یکی از مهره های مهم در آب نمک خوابانده اند. نمی تواند از زیر نگاه مردم انقلابی و عدالت خواه و سازمان های سوسیالیست و هوادار طبقه کارگر و زحمتکشان به دور باشد. آنها به علت خطری است که در صورت ایجاد هرج و مرج در آینده در ایران آنها می توانند نقش آفرینی مشخصی را با دستور و پول دشمنان مردم ایران) و نه رژیم جمهوری اسلامی ایران) در ویرانی جامعه بازی کنند. آنها آماده هستند همچون سربازان بی جیره و موجب ارتش های امپریالیست ها نقش چلبی های عراق را در ایران بازی کنند. سلطنت طلبان و در راس آنها رضا پهلوی در حال چیدن قدم به قدم دولت سایه برای رژیم جمهوری اسلامی در زمانی که جنبش اعتراضی و یا شورش های اجتماعی ثبات جامعه را دستخوش تلاطم می کند، می باشد. آیا جنبش های اجتماعی این امکان را برای مانور آلترناتیوهای گوناگون بورژوازی با و یا بدون حمایت خارجی ناشی از خلاء قدرت در ایران خواهد داد؟ رضا پهلوی با استفاده از امکانات موجود خود که از کمک های "غیبی" می رسد. قادر شده است که گروههای مختلفی از سلطنت طلبان را بدور هم جمع کند. برایشان برنامه بریزد و سازماندهی کند و بعداً تحت عنوان فراگروهی خود را بالای آن قرار بدهد. بطور مثال فرسگرده که ظاهرا از ۴۰ جوان

تا با عضویت در « پروژه درخت تن و تاب برای صرفه جویی در زندگی روی زمین » که طرح ساده ای را برای شما ارائه می دهد که بطور سیستماتیک مصرف خود را تا ۸۰٪ که شامل انرژی و منابع هر نوع - آب، انرژی خاکی، سوخت حمل و نقل، فلزات، گوشت، کاغذ و پلاستیک - در حالیکه بطور چشم گیری گسترش و توسعه اتکا به نفس خود و محیط دور و بر خود در ۱۶ حوزه، بطوریکه همه مسائل مربوط به محیط زیست و آب و هوا بطور مؤثر مورد توجه قرار گیرند.

- ۱ - See 'Global military spending remains high - ۱.۷\$ at trillion'.
- ۲ - See "Alexa, Launch Our Nukes!" Artificial Intelligence and the Future of War.
- ۳ - پیش از دما تولید صنعتی
- ۴ - See 'Trillions Stashed in Offshore Tax - Havens'.
- ۵ - 'The Global Elite is Insane Revisited'.
- ۶ - 'Humanity's "Dirty Little Secret" - See 'The Global Slavery Index' and - ۷ million people living as slaves, latest global index reveals
- ۸ - See 'Global Homelessness Statistics - Insect Decimation Upstages Global Warming
- ۹ - See 'Biological annihilation via the ongoing sixth mass extinction signaled by vertebrate population losses and declines' and 'Biological Annihilation on Earth Accelerating'. See, for example, Stop Wildlife Trafficking.
- ۱۰ - See Soil-net, 'Glyphosate effects on soil rhizosphere-associated bacterial communities' and 'Disposing of Nuclear Waste is a Challenge for Humanity
- ۱۱ - See 'Fukushima: A Nuclear War without a War: The Unspoken Crisis of Worldwide Nuclear Radiation
- ۱۲ - See 'NGOs Release List of World's Top Coal Plant 2018' Coal Plant Developers' and 'Developers List
- ۱۳ - See 'How Many Animals are Killed Each Year?'
- ۱۴ - See 'GHG Emissions by Livestock - underground gas bubbles ۷,۰۰۰' poised to "explode" in Arctic' and 'Release of Arctic Methane "May Be Apocalyptic," Study Warns
- ۱۵ - See 'Antarctic ice melting faster than ever, studies show
- ۱۶ - See 'Our Planet Is Exploding with Marine Dead Zones' (fracking)
- ۱۷ - See 'Groundwater contamination'.
- ۱۸ - 'Groundwater drunk by BILLIONS of people may be contaminated by radioactive material spread across the world by nuclear testing in ۱۹۵۰s' and 'Fracking chemicals the
- ۱۹ - See 'Geoengineering Watch - The Psychology of Fascism
- ۲۰ - See 'Google Earth: How the Tech Giant Is Helping the State Spy on Us' and the 'documentary 'The Modern Surveillance State See 'Why we are not ready for genetically designed babies' and 'China's Golem Babies: There is Another Agenda
- ۲۱ - See 'Space Junk: Tracking & Removing Orbital Debris
- ۲۲ - See 'Junk Planet: Is Earth the Largest Garbage Dump in the Universe see 'Why Violence?' and 'Fearless - Psychology and Fearful Psychology: Principles and Practice
- ۲۳ - A Last 2021 See 'Human Extinction by - Ditch Strategy to Fight for Human Survival see 'The Global Elite is Insane Revisited' see 'In Defense of the Human Individual - A Last- 2021 See 'Human Extinction by - Ditch Strategy to Fight for Human Survival

ساحت کمونیسم علمی را از انواع نظرات رویونیستی و دگماتیستی پاک کنیم!



افغانستان و عراق جلوگیری از اقتصاد بحرانی ایران را ویران تر و با کاهش دستمزدها فوق سود ها را به سطح مافوق سودها برسانند. این دارودسته ها نه تنها از این مسئله کاملاً آگاهی دارند بلکه آنچنان طمع قدرت زیر دندانشان مزه کرده است که برایشان مردم، ایران، دموکراسی و... حرفهای بی ارزشی هستند که فقط ببرد فریب و توهم عقب مانده ترین بخش های جامعه و یا اقشار مالباخته رژیم گذشته می خورد.

نه رژیم جمهوری اسلامی و نه اپوزیسیون بورژوازی آن دیگر قادر به فریب کارگران آگاهی که رودر روی رژیم سرمایه ایستاده اند نیستند. جنبش کمونیستی ایران همراه با طبقه کارگر در چالش های اجتماعی حال و آینده اجازه نخواهند داد که هیچ رژیم سرمایه داری بتواند با تکیه به بورژوازی بین المللی به تکرار گذشته تاریخ برخیزد. آینده از آن عدالت طلبان، آزادیخواهان و نیروهای مترقی و سوسیالیست و طبقه کارگری است که تصمیم گرفته است اساس جامعه طبقاتی را به موزه تاریخ بسپرد.

قبل از پایان این مقاله خبری انتشار یافت که آقای رضا پهلوی در یک سخنرانی پیشنهاد کرده است که پول های ایران به اپوزیسیون دموکراسی خواه (که البته منظور دارودسته های سلطنت طلب است) داده شود. با این سخنرانی ایشان دخالت امپریالیست ها را در اقتصاد ایران فرض شده بحساب آورده است و آنرا حق سرمایه داران جهانی می داند. اما آقای رضا پهلوی بد شانس آورده است که جای پدر بزرگ و پدرش نیست که با کودتا آمده باشند و با یک خط نوشته از لندن و واشنگتن بساطشان را برچیندند و بروند. ایشان حتی مانند آنها زحمت بند و بست هایی از قبیل پول سوبسید های نظامی را هم ندارد که خرج کند. اما شریک شدن پول های ایران با بانک های غربی را آخرین راه پول درآوردن نیست. قبل از شما خانواده های سربازان آمریکایی این راه را رفته اند. صاحب این پول ها نه رژیم دزد اسلامی در ایران و نه کسانی از قبیل سلطنت طلبان و مجاهدین هستند این پول ها متعلق به کارگران و زحمتکشان جامعه ایران است. طبقه کارگر و زحمتکشان ایران بحق این مثل را در برابر آقای رضا پهلوی بکار خواهند برد که "ما را به خیر تو امید نیست شر مرسان"

ع.ع

اردیبهشت ۱۳۹۸

ویرانی و انهدام یک جامعه را توسط رضا پهلوی و یا احیاناً مریم رجوی جلو ببرد. در اوضاع کنونی که نقشه های غرب برای تغییر حکومت های کشورهای تحت سلطه و جهان سوم با مقاومت شدید چین و روسیه روبرو شده است. خواب و خیال و نقشه های مجاهدین و سلطنت طلبان و نیروهای رژیم چنج آمریکا خیلی هم آسان نخواهد بود. در نتیجه آمریکا در حال سازماندهی دقیق و قدم به قدم اپوزیسیون وابسته و نزدیک به خود و توانمند کردن آنها در نفوذ به جوامع مورد نظر خود از جمله ایران و تدارک یک چیدمان هر می قدرت نه تنها در عرصه سیاسی بلکه فرهنگی، افکار عمومی، نظامی، اقتصادی و بطور خلاصه در گرگهاهای مهم اجتماعی است.

آمریکا بعد از اینکه متوجه شد که قادر به متحد کردن اپوزیسیون متزلزل و ضد انقلابی ایران با یکدیگر نیست. سعی کرده است که هر اپوزیسیونی را جداگانه و بر اساس خواسته های مشترک خود و گروه مشخص سازماندهی کرده و خط مشی آنرا تعیین کند. بطور مثال مجاهدین را در زمینه های نظامی و سلطنت طلبان در سمت دهی افکار عمومی و شخصیت سازی قلبی و فریبکاری سیاسی، گروههای ملیتی را در زمینه تشدید گرایش های ارتجعی در مسائل ملی و ایجاد نفرت ملی و... کمک، سازماندهی و سمت و سو می دهند.

سوی دیگر آزادی عمل سلطنت طلبان، رژیم جمهوری اسلامی و رفتارها و برخورد سرکوبگرانه و عمیقاً ارتجعی در زمینه های مختلف اجتماعی با اقشار و طبقات اساساً تحتانی جامعه است. عملکرد سلطنت طلبان و جمهوری اسلامی بطور واقعی اتحادی علیه کارگران و زحمتکشان، علیه کارگران و جنبش های سوسیالیستی و کمونیستی، علیه دموکراسی انقلابی و... است.

دعوی مجاهدین، سلطنت طلبان و رژیم اسلامی با یکدیگر دعوی بر سر عرق جبین کارگران و زحمتکشان ایران است. دعوی بر سر بدست گیری دولت بورژوازی در ایران و حاکمیت بر سر چپاول و کشیدن شیره ثمره کارگران زحمتکشان جامعه به طرق گوناگون از سرکوب تا تحمیل و تحمیل فقر و فلاکت اقتصادی به مولدین جامعه است. ما بعضی مواقع از خیانت این دارودسته ها به مردم صحبت می کنیم البته اگر دقیق تر صحبت کنیم عملکرد این حضرات بطور واقعی خیانت نیست بلکه تلاش برای حفظ منافع طبقاتی جناح های گوناگون بورژوازی در ایران است. آنها در ضعف و زبونی بورژوازی ایران احتیاج به یک و یا تعدادی پشتگاه بین المللی دارند تا بتوانند وقتی به قدرت رسیدند در چند سال اول بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با باز کردن درهای اقتصادی ایران و سپس سیاست هرج و مرج اقتصادی آنچنان که در

عدالت صحبت می کنند ولی راجع به میلیونها دلار های حیف و میل شده که از حکومت های امپریالیستی و مرتجعین منطقه دریافت می کنند، سکوت می کنند. عده ای هم که از ظلم و ستم بی حد و حساب رژیم اسلامی به تنگ آمده اند و حاضر هستند در این دریای بی حقوق و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی برای نجات خود به هر ریسمانی بیاویزند و ساده انگارانه فکر می کنند از این ستون به آن ستون فرجی است به نردبانی برای به قدرت رسیدن سلطنت طلبان تبدیل شده اند.

سلطنت طلبان یکی از سیاه ترین نیروهای تاریخ ایران بوده اند. افتخار و مدال هایی که این جماعت در "خدمت به ایران" به خود می دهند. نه تنها خدمت نبوده است بلکه مانع رشد عمومی جامعه بشری از جمله ایران بوده است و یا جهان گشائی و خیانت و کشت و کشتارهای عمومی از مردمان درون و بیرون از ایران بوده است. بطور مثال نادر شاه که افتخارات این جماعت بطور تاریخی است یکی از کارهایش که آوردن جواهرات سلطنتی دریای نور و کوه نور با گذار از روی منارهای سر مردم دهلی بوده است. همین جماعت که امروزه ضد رژیم اسلامی شده اند. تاریخاً نزدیکترین متحد دارو دسته های اسلامی در ایران بوده اند. از فدائیان اسلام بگیرتا جماعت حول و حوش مجله مکتب اسلام در حوزه های علمیه. از افتخارات دیگر این جماعت "خدمات خانواده پهلوی به ایران" آنهم در قرن بیستم که حتی دیگر دموکراسی های پارلمانی هم دیگر جوابگوی دموکراسی نیست، هستند. خانواده ای که ایران را ملک مطلقه خود می دانست و تحمل کوچکترین مخالفت را نداشت. درباری که در رژیم اسلامی بصورت ولایت فقیه تکرار شد و همان سیستم بعلاوه تکیه به اسلام در رژیم جمهوری اسلامی در ابعاد وسیع تری به قدرت رسید.

عناصر این جماعت بطور مرتب در راهروهای کنگره های آمریکا و پارلمان های کشورهای اروپایی در حال مسابقه دادن با مجاهدین برای عرضه کردن خود به عنوان خودفروخته های سیاسی هستند. همین جماعت با نامه های خود به ریاست جمهوری های مختلف آمریکا همیشه یک دست مریزاد به سیاست های ضد ایرانی و ظاهراً ضد جمهوری اسلامی (که این دو موضوع جدا گانه است) گفته اند. از آنجمله است نامه های متعدد آنها به ترامپ.

کارت جدید بازی سلطنت طلبان در حقیقت آمریکا، گروه ققنوس است که آنهم شبیه فرسگر در شکل "تحقیقات علمی برای ایران" است. شطرنج سیاسی که سلطنت طلبان با رژیم جمهوری اسلامی شروع کرده اند هنوز به پایان نرسیده است آمریکا و غرب در حال تجربه ونزوئلا و رضا پهلوی دیگری به نام گواپدو است تا بتواند تجربه





حزب کمونیست ایتالیا

حزب کمونیست ایتالیا (Partito Comunista Italiano) PCI، در میان اراده گرای و پوپولیس

تاریخ پیدایش و تحولات حزب کمونیست ایتالیا (در این نوشتار با اختصار PCI خواهد بود) از تولد و دگرذیبی تا فروپاشی؛ به تاریخ، فرهنگ، سنت ها، وضعیت اقتصادی کشور در سده ی گذشته، وضعیت توازن قوا در صحنه ی بین المللی و به ویژه جنگ جهانی دوم و مبارزه با فاشیسم موسولینی، جنگ سرد، درجه ی ایمان و اعتقاد برخی از رهبران اصلی آن به استقلال فکری و شعارهای حزبی، فراکسیون های درون حزبی، چگونگی کسب آرای مردم، و گره خورده است.

نوشتار زیر با بهره گیری از تاریخ ثبت شده PCI و مطالعات و مشاهدات (۱۹۸۹-۱۹۷۶) و برداشت های نگارنده می باشد. مطمئنا بسیاری از رفقا و دوستان به آن نقد داشته و نظرات دیگری خواهند داشت. در این ارتباط واضح است که این مقدمه ی تیتروار فقط می تواند در راستای بازکردن موضوع باشد.

ناگفته نماند که، درباره ی حزبی از خانواده ی چپ صحبت می کنیم که بیش از یک دهه در کشوری از "اقمار غرب"، دارای بیش از سی درصد آرا بوده است (به طور مثال در سال ۱۹۷۶، ۳۴/۴٪ در پارلمان و ۳۳/۸٪ در سنا). این ارقام و اعداد بالاترین رای در یک کشور اروپایی به یک حزب چپ می باشد.

تولد PCI : در ژانویه ۱۹۲۱ در کنگره ۱۷ حزب سوسیالیست ایتالیا (PSI) در شهر لیورنو (Livorno)، اکثریت نمایندگان به انشعاب و ایجاد حزب کمونیست ایتالیا رای می دهند. این اتفاق نه بر اساس تحولات داخلی کشور ایتالیا، که بلکه بیشتر بر پایه اتفاقات بین المللی و به ویژه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه بود. به سرعت دو گرایش هویدا می شوند: گرایش چپ لنینی و گرایش

به انترناسیونال دوم آنتونیو گرامشی (Antonio Gramsci) (۱۸۹۱-۱۹۳۷)، نظریه پرداز و فعال جسور سیاسی در رهبری گرایش لنینی قرار گرفته و در ایجاد حزب کمونیست (PCI) و انشعاب از سوسیالیست ها (PSI) نقش به سزایی بازی می کند. گرامشی جوان در آن سال ها سردبیر مجله "راه نو" (Ordine Nuovo) بود.

در مارس ۱۹۲۲ اولین کنگره حزب

کمونیست ایتالیا برگزار و گرایش به حزب کمونیست شوروی پررنگتر می گردد. در این میان روزنامه و ارگان مرکزی آن ها به نام "اتحاد/وحدت" (L'Unita) در فوریه ۱۹۲۴ منتشر شده و نشر آن تا امروز ادامه دارد. (البته دیگر آن مفهوم و تیراژ و وزن سابق را ندارد.)

مبارزات ضد فاشیستی با رهبری آنتونیو گرامشی به عنوان دبیر اول حزب به غیرقانونی و مخفی شدن حزب می انجامد. با مرگ زودهنگام گرامشی در سال ۱۹۳۷ و شروع جنگ جهانی دوم، رهبری PCI رای به اتحاد استراتژیک با کشور شوراها علیه نازیسم هیتلری می دهد.

در سال ۱۹۴۴ پالمیرو تولیاتی (Palmiro Togliatti) از تبعید خودخواسته به اتحاد شوروی به ایتالیا باز می گردد. او، استالین و مولوتوف (رهبر حزب کمونیست بلغارستان) سه دبیر اصلی انترناسیونال سوم بودند. او با تئوری "دموکراسی ترقی خواه" (Democrazia Progressiva) به عنوان رهبر و دبیر اول حزب انتخاب می گردد. تولیاتی از سال ۱۹۳۰ شهروند اتحاد شوروی بود و تا مرگ در سال ۱۹۶۴ رهبر بلامنازع حزب (PCI) و متحد روس ها باقی می ماند.

با علنی شدن مصوبات کنگره ۲۰ حزب کمونیست شوروی، بحران در جنبش چپ بین المللی عمیق تر می گردد. پس از مرگ تولیاتی، تشننت مواضع و افکار در مرکزیت و رهبری PCI تا سال ۱۹۷۲ ادامه می یابد. در این سال، گرایش نوین کمونیسم نو در کمیته ی مرکزی حزب اکثریت یافته و به انتخاب انریکو برلینگور (Enrico Berlinguer) به عنوان دبیر کل حزب می انجامد. برلینگور به سرعت درباره ی اشغال پراگ توسط ارتش شوروی موضع گیری می کند و با همکاری "ژرژ مارش" (Georges Marchais) و "سانتیگو کاریلو" (Santiago Carillo) در گردهمایی برلین راه خود را از مسکو جدا کرده و به ساماندهی کمونیسم نوع اروپایی اقدام می کند.

در صحنه ی داخلی، جهت تشکیل دولتی با ثبات در ایتالیا، برلینگور با آلدو مورو (Aldo Moro)، رهبر حزب دموکرات مسیحی، به مذاکره درباره ی این اتحاد تاریخی (Compromesso Storico) می پردازد که با ترور آلدو مورو در سال ۱۹۷۸ به نتیجه ای نمی رسد.

پس از برلینگور، ستاره اقبال PCI رو به افول گذاشته و با فروپاشی اتحاد شوروی دیگر هیچگاه آن وزنه ی سیاسی گذشته را در ایتالیا به دست نیاورد. رهبران بعدی

هم، از جمله الساندرو ناتا (Alessandro Natta)، پارتیزان قدیمی (نتوانستند کاری از پیش ببرند. اکثریت حزب کمونیست ایتالیا در سال ۱۹۹۸ با تغییر نام و اساسنامه خود به حزب دموکرات ایتالیا، اساسا از صحنه ی چپ ایتالیا محو شدند. دو نکته:

برخورد PCI با اعتراضات ماه می ۱۹۶۸ و جنبش دانشجویی: با انقلاب چین، انقلاب الجزایر و به ویژه انقلاب کوبا و جنگ در ویتنام، گرایش به راه قهرآمیز در جوانان و دانشجویان اروپایی بیشتر و بیشتر اوج گرفت. این جوانان در ایتالیا بیشتر از هواداران و پایه های سابق حزب کمونیست بودند (از معروف ترین آنها Berigade Rosse, Lotta Continua, Partito Operaio, ...). مرکزیت حزب با موضع گیری علیه آنها و وحدت با سیستم امنیتی ایتالیا و آمریکا دست به تلاشی این جوانان و دانشجویان زدند. کمیته مرکزی PCI هیچگاه انتقادی از این دست سیاست های خود نکرد.

مناسبات PCI با طبقه کارگر و سندیکاهای کارگری: بزرگترین سندیکای کارگری ایتالیا به نام CIGL با گرایش علنی به حزب کمونیست در سال های دور، اصلی ترین ابزار اعتراضات و مبارزات مردمی بود. اما با گذشت زمان اکثریت رهبران این سندیکا در فکر وزارت و وکالت بودند.... حزب دیگر حزب کمونیست نبود.

دوره پس از PCI : با تشکیل حزب دموکرات ایتالیا از عناصر سابق حزب کمونیست، به رهبری افرادی چون Massimo Da Lema و در نهایت Matteo Renzi، در دهه ی گذشته دولت میان آنها و گرایش راست (Forza Italia) به رهبری سیلیویو برنوسکونی چندین دفعه دست به دست شد. در صحنه بین المللی عملا هیچ تفاوتی میان راست و "چپ" ایتالیا موجود نمی باشد و در تمامی جنگ های آمریکا شرکت کرده و نیرو فرستاده اند. در آخرین انتخابات ایتالیا، حزب دموکرات ایتالیا در مقابل حزب اتحاد شمال، جنبش پنج ستاره، و حزب برنوسکونی، که همگی عمیقا نژادپرست، ضد مهاجرت و پناهندگی، علیه زحمتکشان هستند، شکست مفتضحانه ای خورده و تقریبا از صحنه سیاسی حذف شدند.

ایتالیا روزی و روزگاری با PCI مهد رفتارهای انسانی در غرب بود، و دیگر نیست.

اسکندریان اردیبهشت ۱۳۹۸



تمرکز ثروت موجب امپریالیسم جهانی جدید می شود

توسط پیتر فیلیپس، ۱۴ مارس ۲۰۱۹ از مرکز تحقیقاتی

مقاله ای که از این نویسنده برای خوانندگان عزیز رنجبر آوردیم به درستی در مورد تمرکز بیش از هر زمان دیگر در تاریخ سرمایه داری صحبت می کند، اما جهان امروز ما آستن تغییر و تحولات بسیار بزرگی ست چرا که تضادهای موجود در کمپ امپریالیستها از یک طرف و تضاد خلقهای گرسنه و جان به لب آمده جهان با امپریالیستهای غارتگر و متجاوز از طرف دیگر جهان را هر چه نزدیکتر به سمت انقلاب در کشورهای دربند و بالاخره انقلاب جهانی سوق می دهد.

تغییر رژیم در عراق و لیبی، جنگ سوریه، بحران ونزولا، تحریم ها علیه کوبا، روسیه و کره شمالی، بازتاب یک امپریالیسم جهانی جدید است که توسط هسته ای از کشورهای سرمایه داری با حمایت از تریلیون ها دلار ثروت متمرکز شده است. این نظم جهانی جدید سرمایه انبوه به یک امپراتوری تمامیت خواهانه دیکتاتوری از نابرابری و ستم تبدیل شده است.

یک درصدی های جهانی شامل بیش از ۳۶ میلیون میلیونر و ۲۴۰۰ میلیارد می باشد، سرمایه مازاد خود را با شرکت های مدیریت سرمایه گذاری مانند بلک راک و جی پی مور گان چیس سرمایه گذاری می کنند. ۱۷ مؤسسه فوقانی این شرکت های سرمایه گذاری تریلیون دلاری در سال ۲۰۱۷، ۴۱ تریلیون و ۱۰۰ میلیارد دلار را کنترل می کردند. این مؤسسات مالی بطور مستقیم در یک دیگر سرمایه گذاری می کنند و فقط توسط ۱۹۹ نفر مدیریت می شوند که چه کسانی تصمیم می گیرند که چطور و کجا سرمایه های جهانی سرمایه گذاری شوند. بزرگترین مشکل آنها این است که آنها سرمایه بیشتری از فرصت های سرمایه گذاری مطمئن دارند که منجر به سرمایه گذاری های احتمالی پر مخاطره، افزایش هزینه جنگ، خصوصی سازی اموال عمومی و فشار به منظور گشودن فرصت های جدید سرمایه گذاری از طریق رژیم چنج های سیاسی می شود. نخبگان قدرت با حمایت از سرمایه گذاری در مجموع در یک سیستم رشد اجباری تعبیه شده اند. عدم موفقیت سرمایه برای دست

یابی به گسترش منجر به رکود اقتصادی می شود که می تواند موجب کساد عمیق بازار، قصور یا ورشکستگی بانکی، فروپاشی پول و بیکاری عظیم شود. سرمایه داری یک سیستم اقتصادی ست که ناگزیر خود را از طریق انقباضات، رکود ها و کساد عمیق بازار تنظیم می کند.

نخبگان قدرت در یک وب از رشد اجباری بدام انداخته شدند که نیازمند مدیریت جهانی مداوم و شکل گیری فرصت های سرمایه گذاری جدید و همواره در حال توسعه است. این گسترش اجباری به یک سرنوشت آشکار در سراسر جهان تبدیل می شود که سلطه کل سرمایه را در تمامی نقاط جهان و فراتر از آن دنبال می کند.

غول ها: قدرت جهانی نخبگان

نخبگان قدرت جهانی از وجود خود به عنوان اقلیت عددی در دریای عظیم بشریت فقیر آگاه هستند. تقریباً ۸۰ درصد جمعیت جهان با روزی ۱۰ دلار زندگی می کنند و نصف جمعیت جهان با کمتر از ۳ دلار در روز زندگی می کنند. سرمایه جهانی متمرکز، در انقیاد نهاد سازمانی قرار می گیرد که سرمایه داری چند ملیتی را به یک امپریالیسم جهانی متمرکز تبدیل می کند که توسط مؤسسات اقتصادی و تجاری جهانی تسهیل شده و توسط امپراتوری نظامی ایالات متحده / ناتو محافظت می شود. این تمرکز سرسام آور ثروت منجر به بحران بشریت می شود، بدین ترتیب فقر، جنگ، گرسنگی، بیگانگی انبوه توده مردم، تبلیغات رسانه ای و انهدام محیط زیست به سطحی رسیده است که آینده بشریت را تهدید می کند.

ایده دولت های مستقل خود گردان که در سرمایه داری سنتی میزیسته، مدتهاست که قربانی شده. با این وجود، جهانی سازی مجموعه ای جدید از مطالبات سرمایه داری را مطرح کرده که نیاز به مکانیسم های فرا ملیتی دارد تا از رشد بطور مداوم سرمایه که بطور فزاینده فراتر از مرزهای ایالتی ست، حمایت کند. بحران مالی سال ۲۰۰۸ یک شهادتی بود به سیستم جهانی سرمایه که مورد تهدید جدی قرار گرفته بود. این تهدیدات، رها کردن حقوق ملت را بطور کامل و شکل گیری امپریالیسم جهانی را که الزامات جدید جهانی برای حفاظت

تسلیت و همدردی به مردم صدمه دیده خرابی های گسترده خانه های مردم و از بین رفتن زمین های کشاورزی، راههای آسفالت و وسایل تردد مردم و کشته شدن دهها تن از مردم شده است. علاوه بر آن تعلل در ارسال کمک ها و عدم رسیدگی دولت به شرایط اضطراری به افزایش ویرانی ها و تلفات انسانی دامن زده است. اما کمک های بی دریغ و همیاری مردم به سیل زده گان همچون بلایای طبیعی گذشته ادامه دارد و یکی از کارهای حاکمین جلوگیری از این کمک های مردمی ممانعت از حضور فعالین اجتماعی در این کمک هاست. حزب رنجبران ایران به همه بازماندگان افراد از دست رفته تسلیت می گوید و از همه دوستان و رفقا در هر جا که هستند می خواهد به کمک سیل زدگان اخیر برخیزند.

حزب رنجبران ایران
۱۰ فروردین ۱۳۹۸

از سرمایه های فرا ملیتی است، تقویت می کند.

مؤسسات در کشورهای سرمایه داری از جمله وزارت خانه های دولتی، نیروهای دفاعی، سازمانهای اطلاعاتی، قوه قضائیه، دانشگاه ها و سازمانهای نمایندگی به میزان قابل ملاحظه ای متوجه می شوند که تقاضای فوق العاده از سرمایه های فراملیتی فراتر از مرزهای کشورهای دیگر می رود. در نتیجه دسترسی به سراسر جهان، شکل جدیدی از امپریالیسم جهانی را بر میانگیزد که از طریق ائتلاف کشورهای اصلی سرمایه داری در تلاش برای رژیم پنج چه در گذشته و چه در حال حاضر از طریق تحریم ها، اقدامات محرمانه علیه آن کشورها، گزینه های مشترک و جنگ با کشورهای نا همیار- ایران، عراق، سوریه، لیبی، ونزولا، کوبا، کره شمالی و روسیه، صورت می گیرد.

کودتا در ونزولا نشان می دهد که هم سویی کشورهای سرمایه گذار چند ملیتی در تشخیص نیروهای نخبه که مخالف مادورا رئیس جمهور سوسیالیست است، می باشد. یک امپریالیسم جهانی جدید در اینجا فعالیت می کند، بدین ترتیب حاکمیت ونزولا بوضوح توسط نظم جهانی امپریالیستی که به دنبال کنترل نه تنها نفت ونزولا است، بلکه یک فرصت کامل برای سرمایه گذاری



تروريسم

اسلامی تا بقیه امیرنشینیان و اسرائیل و این عمل می تواند توسط هر یک یا بصورت مشترک انجام گرفته باشد. تبعات آن نه تنها به سرکوب بیشتر بلکه به رشد تشنجات بین کشورهای منطقه خاورمیانه بویژه بین ایران و اسرائیل و برخی کشورهای عربی دامن خواهد زد پی آمد آن فروش بیشتر اسلحه، به غارت بردن منابع طبیعی منطقه توسط امپریالیست ها و ایجاد کینه و تضاد های ملی ، قومی ، مذهبی بیشتر و رشد تضادهای غیر آنتاگونیستی به آنتاگونیستی و نهایتا آشوب و جنگ و خونریزی بیشتر است. این روند با سیاست های طبقه کارگر در کشورهای خاورمیانه که خواهان همبستگی کم کردن تشنجات و ایجاد جوامع مستقل ، عدالت

طلب و دمکرات است کاملا متضاد و علیه آن است. در حال حاضر خاورمیانه خود به مرکز گرهی تضادهای امپریالیستی و رقابت های افسارگسیخته در جهت هژمونی و بیرون راندن رقبا از بازارهای بزرگ و استراتژیک خاورمیانه تبدیل شده است.. رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب خلق بلوچ ، عرب و کرد شرایطی را بوجود آورده است که مرتجعین منطقه همراه دارودسته های امپریالیستی می توانند بیشترین بهره برداری را از آن بکنند. ما در عین محکوم کردن این عمل تروریستی ، همه نیروهای صلح جو و عدالت طلب را فرامی خوانیم که از مبارزات خلق عرب و بلوچ برای برابری با دیگر ملیت های ساکن ایران به

دفاع برخیزند. ما همه نیروهای مبارز و کمونیست خلق های ایران از جمله خلق عرب و بلوچ را به اتحاد بیشتر و تلاش برای ایجاد همبستگی کارگران ملیت های ساکن ایران در جهت سرنگونی رژیم سرکوبگر اسلامی فرا می خوانیم. هیچ راهی بجزء اتحاد و همبستگی نیروهای انقلابی خلق های ستمدیده (بویژه کارگران و زحمتکشانشان آنها) برای ساختن یک جامعه عاری از تروریسم و نفرت وجود ندارد.

ع.غ
۲/۱۳۹۸



بقیه از صفحه ۹

فرخنده باد اول ماه می (۱۱ اردیبهشت)

عقب افتاده کارگران. ۱۲- ما به همراه عموم کارگران ایران و جهان، سیاست های مداخله گرانه، جنگ افروزانه و تجاوزکارانه از جانب هر دولت متجاوز را علیه مردم کشورها محکوم نموده و خواهان برقراری صلح، امنیت، رفاه و پیشرفت برای تمامی مردم ایران، منطقه و جهان هستیم. ۱۳- تأمین نیازهای فوری سیل زدگان از جمله خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان و مراکز آموزشی و تأمین مسکن مناسب و

بازسازی رایگان و جبران همه خسارات آنها از جمله خسارات کشاورزان توسط دولت. ۱۴- اعلام تعطیلی رسمی روز کارگر و آزادی برگزاری مراسم بزرگداشت اول ماه می در سطح کشور. گسترده، مستحکم و رزمنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران جهان! رساتر و کوبنده تر باد فریاد حق طلبی کارگران و زحمتکشانشان علیه نظام سرمایه داری و قدرت های حامی آن! پر طنین باد پیام آزادی بخش اول ماه می

روز جهانی کارگران! ۷ اردیبهشت ۱۳۹۸ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه گروه اتحاد بازنشستگان کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری



بقیه از صفحه ۷

تمرکز ثروت موجب امپریالیسم جهانی جدید می شود

های گسترده از طریق یک رژیم وابسته و دست نشانده جدید. نفی گسترده رسانه های شرکتی غول پیکر از رئیس جمهور منتخب دمکراتیک ونزوئلا نشان می دهد که این رسانه ها توسط ایده نولوگ ها برای نخبه گان قدرت جهانی به کار گمارده می شوند. رسانه های شرکت های غول پیکر امروز بسیار متمرکز و کاملا بین المللی هستند. هدف اصلی آنها ارتقاء فروش محصولات، تبلیغات به

طرفداری از سرمایه داری از طریق کنترل روحی آرزو ها و خواستها، احساسات، اعتقادات، ترس و ارزش های انسانی ست. رسانه های شرکتی غول پیکر این کار را با دستکاری در احساسات و تشویق های انسانی در سرتاسر جهان و از طریق ترویج سرگرمی به عنوان مختل کردن حواس و بالاخره بی تفاوتی نسبت به نابرابری های موجود جهانی انجام می گیرد.

شناخت و تشخیص امپریالیسم جهانی به عنوان ظهور ثروت متمرکز که توسط چند صد نفر مدیریت می شود، برای فعالان دمکراتیک بشر دوست بسیار مهم است. ما باید از مبارزات روبه رشد مردم جهان علیه امپریالیسم جهانی و دولت های فاشیستی، تبلیغات رسانه ای آنها و ارتش امپراتوری آنها، پشتیبانی کنیم.



بقیه از صفحه ۱۷

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید :

آدرس پُست الکترونیکی نشریه رنجبر :

ranjbar@ranjbaran.org

آدرس پُست الکترونیکی حزب رنجبران ایران :

آدرس غُرفه حزب در اینترنت:

www.ranjbaran.org

آدرس پُستی حزب رنجبران ایران:

Ranjbar
P.O.Box 5910
Washigton DC
20016
U.S.A

ارگان مرکزی حزب رنجبران ایران

تیراژ: ۱۳۹۸ - شماره: ۴۳ - سال: ۱۰

موضوع: ...

تاریخ انتشار: ...

سازمان: ...

چهار رنجبران وحدت و تشکیلات است!